جمعه دوم اسفند ۱۳۸۷- بیستم فوریه ۲۰۰۹

دیدار شورای مرکزی دفتر تحکیم وحدت با عبدالله نوری

خبرنامه امیرکبیر: اعضای شورای مرکزی دفتر تحکیم وحدت طی دیداری با عبدالله نوری ضمن دعوت از وی مبنی بر حضور فعالتر و پررنگ در عرصه تحولات اجتماعی و سیاسی ایران، به بیان دیدگاههای خود پیرامون مسایل روز جامعه پرداختند.
عبدالله نوری در این نشست و در آغاز سخنانش گفت: در تمامی انقلاب ها تصور ایجاد مدینهء فاضله بعد از پیروزی انقلاب وجود دارد، مردمی که انقلاب می کنند فکر می کنند که پس از پیروزی انقلاب دنیا برایشان بهشت می شود. بسیاری از شخصیت های انقلابی دنیا از ابتدا تصور نمی کردند روزی پس از پیروزی انقلابشان خود به دیکتاتوری مستبد تبدیل شوند ولی در نهایت عملکردشان آنها را در جایگاه مستبدان تاریخ نشاند، شاید از اکثریت قریب به اتفاق دیکتاتورهای جهان اگر سئوال شود چرا به این مسیر گرفتار شده اند ضمن نپذیرفتن این نسبت، سئوال کننده را متهم به مزدوری بیگانه و ده ها اتهام دیگر نمایند. بسته به حد دیکتاتوری و وحشت دیکتاتور، با سئوال کننده و یا منتقد و یا مخالف برخورد می شود. همیشه در آغاز هر انقلابی مبارزان آرمان خواهند و شعارهای زیبا می دهند ولی رفته رفته آرمان ها فراموش می شود و حفظ قدرت به هر قیمت برای برخی اصل می گردد. بسیاری افراد که پس از دوران انقلاب بر مسند قدرت قرار می گیرند و مدعی انقلاب نیز هستند تصوری غیر از رفتار خود از انقلاب داشتند. قدرت منهای اخلاق نتیجه اش همین است. بر همین اساس انسان باید به لحاظ نفسانی خیلی خود را تزکیه کند تا قدرت نتواند بر او تأثیر بگذارد. انسان باید در جهت تزکیه خود بسیار تلاش کرده باشد تا تحت تاثیر قدرت قرار نگیرد.
وی با بیان فرازهایی از سخنان حضرت علی (ع) دربارهء حکومت بر مردم گفت: امیر مؤمنان صلوات الله علیه در دو جمله همه مطلب را بیان می فرماید. روزی عبدالله ابن عباس بر امام وارد می شود و ایشان را در حال تعمیر کفشش می بیند. حضرت خطاب به عبدالله می گوید ارزش این کفش چه قدر است؟ ابن عباس نگاهی به کفش فرسوده امیر مومنان می کند و می گوید هیچ قیمتی ندارد. آنگاه حضرت می فرماید: "به خدا سوگند این کفش بی ارزش برای من دوست داشتنی تر است از حکومت بر شما مگر آنکه حقی را بپا دارم و یا از باطلی جلوگیری نمایم." و برای اینکه از این ادعای بسیار سنگین فاصله نگیرد در بیان دیگری می فرماید: "مرا با مدح و ثنای نیکو ستایش نکنید و به رسم سخن گفتن با جباران تاریخ با من سخن مگویید و همانند زورمندان دژخوی از من پروا مکنید ... و چنین گمان مبرید که اگر با من سخن حقی گفته شود مرا گران می آید و نیز مپندارید که من بزرگداشت خود را خواهانم زیرا آن کس که شنیدن حق و پیشنهاد عدالت بر او سنگینی کند عمل به آن دو برایش سنگین تر خواهد بود. بنا براین از گفتن سخن حق و نظر دادن به عدل دریغ منمایید که من در نزد خود برتر از آن نیستم که خطا نکنم و از خطا در کردار خویش نیز احساس امنیت ندارم مگر آنکه خداوند مرا کفایت کند".
عبدالله نوری در ادامه افزود: علی علیه السلام می داند که حکومت و قدرت دارای آفت های فراوان است و چه بسا انسانی همچون علی را هم که مظهر عدل الهی است از جاده انصاف و حق دور کند که "إن الإنسانَ لَيَطغى أن رأه استَغنى". شاید هم می خواهد به همه انسان ها در طول تاریخ یک نشانی بدهد که، آنها که انتقاد از خود را بر نمی تابند در صف ستمگران تاریخ قرار دارند و یا به مرور در زمره جباران قرار می گیرند و آنهایی که می خواهند حکومتشان در مسیر حق و عدل حرکت کند همیشه در هراس هستند که مبادا این قدرت و شوکت، آنها را از مسیر حق و تواضع جدا سازد و به راه باطل و تکبر سوق دهد، به همین جهت خود را در معرض نقدها و پندها و حتی سرزنش ها قرار می دهند و مردم را به انتقاد از خویش فرا می خوانند تا مبادا فریبندگی مقام، آنها را دچار تکبر و نخوت نموده موجب فساد در حرث و نسل جامعه شوند.
وی با اشاره به آیه ای از قرآن کریم افزود: مرحوم طالقانی در بخشی از تفسیر آیه شریفه "وَ إذا تَوَلّى سَعى فِي الْأَرْضِ لِيُفْسِدَ فِيها وَ يُهْلِكَ الْحَرْثَ وَ النَّسْلَ وَ اللّهُ لا يُحِبُّ الْفَسادَ-" بیان می دارد: "انسان همین که زعامت یافت میکوشد در زمین برای افساد، یا میکوشد در راه پیشرفت قدرت و نفوذش در زمین که لازمه آن افساد، مقابل اصلاح است- برهم زدن نظم و التیام طبیعی اشیاء، از میان برداشتن حقوق و حدود افراد، بستن راههای رشد و کمال و باز نمودن راههای تباهی و رشد استعدادها، برتری یافتن فرومایگان و برکناری فرزانگان و ایجاد گروهها و طبقات- همه مراتب و مظاهر افساد است که به از میان رفتن و تباهی محصول کشت و کار و نسل و استعدادها خلاصه میشود".
به گزارش خبرنامه امیرکبیر، عبدالله نوری با اشاره به تبعاتی که امروزه گریبانگیر منتقدین می شود افزود: مولای متقیان سلام الله علیه بهتر از همه می داند که حکومت چون از قدرت برخوردار می باشد و امکانات گوناگون در اختیار دارد، هرچه بخواهد انجام می دهد و طرف دیگر چون خود را در ضعف و چه بسا هراس میبیند از سخن گفتن و توصیهء به حق کردن و انتقاد نمودن اجتناب می کند و اگر کسی هم دل به دریا زد و به تعبیر برخی در صف افراطیون قرار گرفت و به خود جرأت داد و سخنی گفت، برای اینکه سر جایش بنشیند و دست از افراط گری بردارد و عبرت دیگران هم شود با او برخورد قاطعانه می شود و با امکانات تبلیغاتی که در اختیار حکومت است از انتقاد کننده فردی فریب خورده و بازیچه دشمن و تحت تأثیر القائات بیگانه و ده ها تعبیر دیگر می سازند و بسته به جمع بندی سیاسی که دارند نسبت به او تصمیم قضایی می گیرند. با چنین رفتاری در نهایت و بیش از همه این خود حکومت است که آسیب می بیند، امیر مومنان علیه السلام از جامعه خویش می خواهد که از انتقاد به او نهراسند و مبادا او (حاکم) را در وادی جهل و انحراف و اشتباه رهایش گذارند. او می خواهد این رفتار درسی باشد برای همه حاکمان طول تاریخ تا از او بیاموزند و با سخنان او خود را محک زنند.
عبدالله نوری درباره نوع دموکراسی موجود در جمهوری اسلامی گفت: آن زمان که در روزهای آغازین انقلاب بحث دموکراسی مطرح شد و حتی برخی از شخصیت های انقلاب درخواست داشتند که به جای جمهوری اسلامی جمهوری دموکراتیک اسلامی گفته شود هیچکس نمی گفت در جمهوری اسلامی دموکراسی نیست، بلکه بالعکس همه می گفتند در کلمه جمهوری اسلامی دموکراسی نهفته است و در بیان استدلال خود قبل از کلمه جمهوری از کلمه اسلام هم دموکراسی را برداشت می نمودند. حال پس از گذشت سی سال از انقلاب آیا همچنان همان برداشت هست؟ و آیا همگان اسلام و دموکراسی را در یک راستا می بینند؟

وی در ادامه و در بخش دیگری از سخنان خود گفت: باید تلاش نمود تا با ارتباط مؤثر و پیوسته با مردم اصلاحات واقعی و دموکراسی را در بطن توده های مردم نهادینه کرد، چه بتوان از قدرت و حکومت استفاده نمود و چه نتوان، ولی اگر بتوان برای این کار از قدرت استفاده نمود چرا استفاده نشود؟ اگر بتوان از امکانات حکومت برای نهادینه کردن اصلاحات بهره برد چرا استفاده نشود؟ و چه بسا دوستانی که نظر بر شرکت در انتخابات دارند اینگونه می اندیشند که با پیروزی اصلاح طلبان شاید فرصت و فضای تنفسی هر چند محدودی برای نهادینه کردن اصلاحات به وجود آید و به هر اندازه که شرایط فعلی ادامه یابد اوضاع در زمینه های گوناگون بدتر شود.
عبدالله نوری در پایان سخنانش گفت: من هم مشکلات را یکی، دو مورد نمی دانم. برخوردهایی که با حقوق افراد می شود مسائل مربوط به بخشی خاص است و مشکلات عموم جامعه نیست و به تعبیر دیگر عموم جامعه با آن در گیر نیست. جامعه ای که مشکل آب و نان، گرانی، بیکاری، فقر، فساد و تبعیض دارد و در سطح محدودی از فرهنگ و علم نیز قرار دارد که شاید بسیاری از ارتباطات پیچیده را نداند و یا برای او اهمیت نداشته باشد خود را در گیر مسایل سیاسی و دعواهای جناحی و مسابقات حکومتی نمی کند. فردی که برای بیماری فرزندش به این سو و آن سو می دود و برای تهیه لقمه نانی تمامی هم و غم خویش را صرف می کند اولویت اول او سیاست نیست و شاید در این مرحله ابزار دست سیاست مداران نیز قرار گیرد تا از این راه مشکل خود را حل کند و چه بسا آن سیاستمدار است که از او هم به عنوان ابزاری در جهت منافع خود بهره می برد.
به گزارش خبرنامه امیرکبیر، در ابتدای این دیدار مهدی عربشاهی دبیر تشکیلات دفتر تحکیم وحدت به بیان برخی دیدگاهها و نظرات خود و نیز دفتر تحکیم وحدت، پیرامون مسایل موجود در جامعه پرداخت:
در مورد ۳ موضوع مایل هستیم با جنابعالی گفتگو کنیم. موضوع اول درباره دانشگاه و برخوردهای بسیار سنگینی است که با فعالان دانشجویی می شود، موضوع دوم درباره ایامی که در آن هستیم یعنی سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی و تناقضاتی که نسبت به وضعیت امروز با اهداف و شعارهای اولیه انقلاب مشاهده می شود و موضوع سوم هم بحث انتخابات است.
متاسفانه ما در این روزها و درست در سی امین سالگرد انقلاب شاهد بازداشت تعداد زیادی از دوستان دانشجویمان در امیرکبیر و شیراز و کردستان و اردبیل هستیم، با تشکلهای دانشجویی و مخصوصا انجمن های اسلامی شدیدترین برخوردها می شود و آنها به بهانه های کاملا واهی غیرقانونی می شوند که نمونه آخر آن انجمن اسلامی دانشگاه خواجه نصیر است. البته ما انجمن ها را مثل زمان شاه در قالب غیر رسمی نگه می داریم و آنها را در شرایط بسیار سختی حفظ می کنیم تا به فعالیت خود در این فضا نیز ادامه دهند. با این همه فشار بسیار زیادی بر روی انجمنهای رسمی وجود دارد و به شیوه ای غیرقانونی از آنها می خواهند تا از تحکیم خارج شوند.
شاهد این هستیم که از مهر امسال که شورای مرکزی تحکیم آغاز به کار کرده فشار امنیتی و رسانه ای خیلی بیشتری به تحکیم وارد می شود و حملات شدیدی به این مجموعه ی دانشجویی صورت می گیرد. سناریوهای واقعا خنده داری را علیه تحکیم تدارک می بینند. اول تحکیم را به منافقین می بندند، بعد به پژاک و عبدالمالک ریگی، حالا هم که تحکیم صهیونیستی شده. البته از ابتدا تحلیلمان این بود که امسال به دلیل در پیش بودن انتخابات حساسیت خیلی زیاد خواهد بود و به دنبال بهانه گرفتن از ما خواهند بود و در نهایت هم با وارونه سازی یکی از اطلاعیه ها بهانه ی لازم را به دست آوردند.
سپس اعلام کردند که تحکیم از سال ۸۳ غیرقانونی بوده که البته دیدار ما با دکتر معین، دکتر توفیقی، دکتر خانیکی و مصاحبه دکتر ظریفیان که همگی از مسوولین وزارت علوم دوره اصلاحات بودند ساختگی و دروغ بودن این سناریو را نشان داد.
واقعا ما می خواهیم از شما بپرسیم روزی که انقلاب می کردید چنین تصوری داشتید که ۳۰ سال بعد از پیروزی انقلاب چنین اتفاقاتی بیفتد؟ در این انقلاب قرار بود که مارکسیستها آزاد باشند ولی امروز حتی انجمن های اسلامی نیز در فعالیت خود آزاد نیستند. آیا واقعا شما برای چنین فضایی در کشور انقلاب کردید؟
در ادامه برخی از اعضای دفتر تحکیم وحدت به طرح سوالاتی درباره انتخابات پیش رو پرداختند و نظرات عبدالله نوری را در این زمینه جویا شدند:
پیشنهاد شما برای نوع حرکت دانشجویان در موضوع انتخابات چیست؟ ما چگونه مناسبات خود را با قدرت تعریف کنیم که استقلال جنبش دانشجویی از قدرت حفظ شود؟ ما معتقد به مطالبه محوری وبرنامه محوری هستیم و معتقدیم کاندیداها باید وعده های شفاف و قابل سنجشی بدهند و بر سر آنها ایستادگی کنند.
متاسفانه برخی از اصلاح طلبان حاضر نیستند تن به شفافیت بدهند و سطح دعوای خود را پایین آورده و به جای گفتگو بر سر برنامه و نقشه راه تحقق اهداف خود تنها بر سر چهره ها بحث می کنند.به نظر شما در این شرایط واقعا چه تصمیمی باید گرفت؟

در اعتراض به وضع موجود: مطبوعات گلستان هفته ی آخر بهمن منتشر نمی شوند

خبرنامه امیرکبیر: مدیران مسئول مطبوعات محل استان گلستان با ارسال نامه ای به مقامات بلندپایه استان از آنها خواستند در اسرع وقت برای رفع بحران به وجودآمده در مطبوعات استان، جبران خسارات وارده و احقاق حقوق روزنامه نگاران تمهیداتی بیاندیشند.
در ان نامه که خطاب به نماینده ولی فقیه در استان، استاندار و مجمع نمایندگان استان در مجلس شورا اسلامی نوشته شده، با اشاره به اینکه ضعف مدیریت در دستگاه فرهنگ استان، مطبوعات استان را در آستانه تعطیلی قرار داده، آمده است: روشن نیست به چه علت متولیان فرهنگ و ارشاد اسلامی استان گلستان وظیفه هدایت و حمایت خود را رها کرده و صرفا به بحث نظارت بسنده کرده اند.
در ادامه این نامه کاهش ۶۰ درصد ارانه حمایت مطبوعات استان، عدم برگزار دوره های آموزشی روزنامه نگار، عدم برگزار جشنواره مطبوعات و... از مهمترین مشکلات پیش آمده برای مطبوعات محل استان عنوان شده است.
گفتنی است رونوشت این نامه به دفتر مقام معظم رهبری، رئس جمهور، رئیس مجلس، وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی و تنی چند از مقامات ذیربط داخل و خارج ار استان ارسال شده است.
گفته می شود مطبوعات محل استان در صورت ادامه بی توجه به مطالبات برحق آنها، شماره اواخر بهمن ماه سال جاری خود را به عنوان اعتراض منتشر نخواهند کرد.
نامه اعتراض آمیز مدیران مسئول مطبوعات گلستان به مدیران ارشد استان
حضرت آیت الله نورمفیدی نماینده محترم ولی فقیه در استان گلستان
جناب آقای محمودزاده استاندار محترم استان گلستان

مجمع نمایندگان محترم مردم استان گلستان در مجلس شوای اسلامی
با سلام و احترام
ضمن تبریک فرار رسیدن سی‌امین سالگرد پیروزی با شکوه انقلاب اسلامی ایران، بسیار متاسفیم از اینکه به‌جای بیان دستاوردها ناگزیریم از مشکلات عدیده‌ای که این روزها به دلیل ضعف مدیریت در دستگاه فرهنگی استان، گریبانگیر مطبوعات گردیده و بسیاری از آنان را در آستانه‌ی تعطیلی قرار داده است، سخن بگوییم.
مسئولان ارجمند! یقینا شما نیز با ما هم عقیده‌اید که در دنیای امروز وجود رسانه‌ها و مطبوعات پویا، از پیش نیازهای ضروری توسعه پایدار می‌باشد. تاثیرگذاری ، مهندسی افکار عمومی، ارتقاء سطح فرهنگ جامعه و توزیع اطلاعات از کارکردهای مهم مطبوعات است.
حتی کشورهایی که بیش از یک قرن سابقه‌ی فعالیت رسانه‌ای به صورت حرفه‌ای نیز دارند، همچنان راهکارهای ویژه‌ای را برای رشد و بالندگی مطبوعات کشورشان به کار می‌گیرند و البته موضوع حمایت از مطبوعات به عنوان یکی از ابزارهای مهم آگاهی بخشی به جامعه در قوانین جمهوری اسلامی نیز لحاظ شده است.
اما غمگینانه باید گفت روشن نیست به چه علت متولیان فرهنگ وارشاد اسلامی استان گلستان؛وظیفه هدایتی و حمایتی خود را رها کرده و صرفا به بحث نظارت بسنده نموده‌اند. در حالیکه انتظار می‌رفت با توجه به نوپایی و غیر صنعتی بودن استان و عدم وجود حامیان مالی بخش خصوصی (اسپانسر)، چتر حمایتی حداقلی خود را بر مطبوعات محلی بگسترانند. متاسفانه امروز ارتفاع دیوار بی‌اعتمادی بین دو طرف آنقدر بلند شده که حتی امکان گفت و شنود را از میان برداشته است.
آنچه در سطور فوق آمده آنگاه بیشتر مورد تعجب واقع می‌شود که وزیر محترم فرهنگ و ارشاد اسلامی و مدیرکل مطبوعات و خبرگزاریهای داخلی همواره بر حمایت از مطبوعات محلی بویژه مطبوعات استان گلستان تاکید ورزیده‌اند.
مطبوعات محلی استان مانند سایر مطبوعات، با طی مراحل قانونی تاسیس و با رعایت قوانین و مقررات کشور و موازین شرعی و در راستای خط مشی و سیاستهای اعلام شده‌ی خود علی‌رغم اقتصادی نبودن حرفه روزنامه‌نگاری مشغول انجام رسالت خطیر اطلاع رسانی به جامعه در جهت توسعه‌ی استان می‌باشند و به برکت انقلاب اسلامی بزرگ ملت ایران مواضع سیاسی متفاوتی را اتخاذ کرده و ضمن وفاداری به قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و انعکاس خدمات و فعالیتهای قوای سه گانه کشور، انتقاد از کاستی‌ها و بیان ضعفها و سوء مدیریتها را نیز حق خود می‌دانند.
بزرگواران محترم! کمابیش در جریان مشکلات مربوط به مطبوعات محلی استان می‌باشید و در مناسبتهای مختلف این مسائل از سوی مدیران مطبوعات به اطلاع مسئولان ذیربط رسانده شده است،لکن بخشی از آن، که ناباورانه می‌رود تا سبب به تعطیلی کشانده شدن مطبوعات و بیکاری تعداد زیادی از شاغلین مستقیم و غیرمستقیم این حوزه شود، به شرح زیر به استحضار می‌رسد:
۱ـ کاهش ۶۰ درصد ی یارانه حمایتی مطبوعات گلستان
۱/۱ـ تعیین میزان یارانه‌ی حمایتی مطبوعات در هر استان به عهده‌ی مدیرکل فرهنگ و ارشاد اسلامی در آن استان می‌باشد.
۲/۱ ـ یارانه حمایتی مطبوعات براساس بررسی کارشناسی و احصاء حداقل هزینه‌ها، قبل از سال ۱۳۸۶ به میزان ۱۰ الی ۱۲ هزار نسخه لحاظ می‌گردید.
۳/۱ـ باتوجه به تاکید وزیر محترم فرهنگ وارشاد اسلامی نه تنها سقف یارانه‌ی حمایتی مطبوعات محلی در استانهای کشور کاهش نیافت بلکه در موارد متعددی تا ۳ برابر نیز افزایش پیدا کرد.
۴/۱ـ از نیمه دوم سال ۸۶ در استان گلستان رقم حمایتی مذکور (۱۰الی۱۲ هزار) به دو هزار نسخه(۶/۱ یارانه قبلی) تقلیل یافته، با پیگیریهای به عمل آمده و تایید وزرات ارشاد ، درنهایت به ۶۰۰۰ نسخه رسید.
۵/۱ـ علاوه بر کاهش شمارگان حمایت؛ باید از کسر صفحات آگهی نیز نام برد (که مجموعا کاهش ۶۰ درصدی یارانه را منجر شده است)
۶/۱ـ با بررسی‌های صورت گرفته، حداقل هزینه‌های تولید و انتشار هر شماره یک نشریه در استان گلستان (نظیر حق‌الزحمه تحریریه و خبرنگاران، عکاس، صفحه‌آرا، تایپ، سردبیر، اجاره دفتر، مدیر دفتر، بهاء آب و گازو تلفن وبرق، پست، بیمه، خرید و استهلاک تجهیزات اداری، چاپخانه و...) بین ۷۰۰ تا ۹۰۰ هزار تومان (با توجه به نوع چاپ و تورم کاغذ و وسایل چاپ در بازار) برآورد می‌شود.
حال آنکه یارانه اختصاص یافته به مطبوعات گلستان برای هر شماره حدود ۱۵۰ هزار تومان می‌باشد. در صورتی که در قبال ارائه خدمات فرهنگی به جامعه و دولت و چاپ آگهی‌های دولتی و ثبتی با نازل ترین قیمت(تا یک چهارم تعرفه واقعی)، انتظار می‌رود ، مثل سنوات گذشته، حداقل ۵۰% هزینه‌ها از محل یارانه تامین شود.
۷ /۱ ـ در کنار همه‌ی موارد فوق الاشاره وقتی به رقم ۵۰ میلیارد تومانی اعتبار تخصیص یافته در سال ۸۷ بودجه دولت در حمایت از مطبوعات کشور و سهم حدود ۱۰۰ میلیون تومانی کل مطبوعات استان گلستان،(معادل یک پانصدم کل یارانه در کشور!!) توجه می‌کنیم، عدم اجرای عدالت بیشتر به چشم می‌آید.
۲ ـ عدم برگزاری دوره‌های آموزشی روزنامه نگاران با توجه به وعده‌های مکرر و نیاز مبرم مطبوعات استان به عنوان یکی از وظایف سازمانی و هدایتی فرهنگ و ارشاد اسلامی
۳ـ عدم برگزاری جشنواره‌ی مطبوعات محلی
۴ـ عدم تعامل و نشست‌های مشترک با مدیران مسئول و نهادهای صنفی به منظور بررسی نقاط قوت و ضعف که منجر به رشد کمی و کیفی مطبوعات می‌گردد.(علی‌رغم قول برگزاری نشستها در هر ۴۵ روز یکبار)
۵ ـ عدم بکارگیری مسئولان و کارشناسان خبره در بخش مطبوعات اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان و تغییر مداوم آن که منجر به بروز زیان دو سویه می‌گردد.
۶ ـ صدور اخطارها و تذکرات مکرر غیرضروری و بعضا غیرقانونی (نظیر ممنوعیت چاپ مطالبات صنفی فرهنگیان، آبهای مرزی استان و...)
۷ ـ عدم پاسخگویی مناسب به مطالبات اصحاب مطبوعات (نظیر ابهام در مورد هدیه رئیس جمهوری، عدم پاسخگویی مسئولان ذیربط در حضور استاندار و...)
عالی جنابان محترم! در پایان، با توجه به وضعیت بغرنج مطبوعات استان(که از ذکر برخی از آنها جهت جلوگیری از اطاله‌ی کلام خودداری می‌نماییم) از شما بزرگوران خواستاریم در اسرع وقت برای رفع بحران به وجود آمده در مطبوعات استان و جبران خسارات وارده و احقاق حقوق روزنامه‌نگاران تمهیداتی بیاندیشید.

بدیهی است اشخاص یا مدیران مسبب این وضعیت باید نسبت به عملکرد خود به مسئولان کشور و مردم استان پاسخگو بوده آثار ، عوارض و خسارات مادی و معنوی بحران مطبوعات متوجه آنان می باشد. گفتنی است در صورت مرتفع نشدن مراتب فوق؛ حقوق مطبوعات استان درپیگیری خواستهای به حق خود از طرق مقتضی دیگر محفوظ خواهد بود.//۱۵/۱۱/۸۷
با تشکر و احترام
۱۵ بهمن ۱۳۸۷
رونوشت:
ـ دفتر مقام معظم رهبری جهت استحضار
ـ جناب آقای دکتر محمود احمدی‌نژاد؛ رئیس جمهور محترم جهت استحضار و صدور اوامر مقتضی
ـ جناب آقای دکتر لاریجانی؛ رئیس محترم مجلس شورای اسلامی جهت استحضار
ـ جناب آقای دکتر صفار هرندی؛ وزیرمحترم فرهنگ و ارشاد اسلامی جهت استحضار و صدور اوامر مقتضی
ـ جناب آقای ملکیان؛ معاون محترم مطبوعات و تبلیغات وزرات فرهنگ وارشاد اسلامی جهت استحضارو صدور اوامر مقتضی
ـ جناب آقای پرویزی؛ مدیر کل محترم مطبوعات و خبرگزاری های داخلی
ـ مدیر کل محترم اطلاعات استان گلستان جهت استحضار
ـ جناب آقای منتظری؛ مدیرکل فرهنگ وارشاد اسلامی استان گلستان جهت استحضار

دراویش گنابادی در مقابل مجلس تجمع می‌کنند

وب‌سایت‌های وابسته به دراویش ایران از تجمع اعتراض‌آمیز دراویش گنابادی و مدافعان حقوق بشر خبر می‌دهند که قرار است روز شنبه سوم اسفندماه در مقابل ساختمان مجلس شورای اسلامی در تهران برگزار شود.
مصطفی آزمایش، نماینده دراویش گنابادی در خارج از ایران، در گفت‌وگو با رادیو فردا دلیل برپایی این «گردهم‌آیی وسیع» را اعتراض به «فشارهای جمهوری اسلامی بر دراویش گنابادی و سایر اقلیت‌های دینی» عنوان کرد.
روز پنج‌شنبه گذشته، اول اسفندماه، دراویش سلسله نعمت‌اللهی گنابادی برای برگزاری مراسم مذهبی ویژه دراویش در محل حسینیه و مقبره درویش ناصرعلی در محله تخته‌فولاد اصفهان گرد هم آمده بودند که با برخورد ماموران امنیتی و افراد معروف به لباس شخصی مواجه شدند.
آقای آزمایش همچنین دلیل دیگر برپایی این تجمع در میدان بهارستان تهران را «بی‌اثر ماندن تمامی اقدامات حقوقی دراویش برای احقاق حقوق تضییع‌شده خود» اعلام می‌کند.
به گفته یکی از شاهدان عینی که نخواست نامش فاش شود در گفت‌وگو با رادیوفردا، به دنبال ضرب و شتم افراد که «در حال به‌جا آوردن نماز بودند» حدود ۵۰ نفر زخمی و ۳۰ نفر بازداشت شدند.
به گفته فعالان نزدیک به دراویش گنابادی، سالن اجتماعات این دراویش در تخته‌فولاد اصفهان نیز روز چهارشنبه توسط نیروهای امنیتی تخریب شد.
طی سال‌های اخیر دولت ایران فشار بر دراویش را افزایش داده است. پیش از این، حسینیه‌های دراویش در چندین نوبت مختلف در شهرهای گوناگون توسط نیروهای دولتی و کسانی که نیروهای بسیجی خوانده شده‌اند به طور کامل تخریب شده‌اند.
اواخر بهمن ۸۴ نیز گروهی از اعضای بسیج در شهر قم پس از چندین روز محاصره حسینیه شریعت متعلق به دراویش گنابادی طی درگیری‌های شدید که منجر به بازداشت ۱۲۰۰ تن از دراویش گنابادی و مجروح شدن ده‌ها تن دیگر شد، این حسینیه را به اشغال خود درآوردند.

آمریکا: ایران بار دیگر نتوانست جامعه جهانی را قانع کند

گوردون دوگید، معاون موقت سخنگوی وزارت خارجه آمریکا، روز پنج‌شنبه پس از انتشار گزارش محمد البرادعی، مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، درباره برنامه هسته‌ای ایران با صدور بیانیه‌ای گفت: «ما به این گزارش همچون فرصت از دست رفته دیگری که می‌توانست نگرانی‌های جامعه بین‌المللی را رفع کند، می‌نگریم.»
وزارت خارجه آمریکا در عین حال می‌گوید، ایران همچنان باید جامعه جهانی را قانع کند که به دنبال ساخت جنگ‌افزار هسته‌ای نیست.
محمد البرداعی در آخرین گزارش خود درباره برنامه هسته‌ای ایران، بار دیگر گفته است که آژانس هنوز نتوانسته برای همه پرسش‌های خود درباره برنامه هسته‌ای ایران پاسخ پیدا کند.
محمد البرادعی با وجود آنکه تاکید کرده آژانس هیچ انحرافی در استفاده ایران از مواد هسته‌ای اعلام شده مشاهده نکرده، اما می‌گوید تهران پروتکل الحاقی را به اجرا در نیاورده و درنتیجه این سازمان پیشرفتی در همکاری‌های خود نداشته است.
دولت ایران در هجدهم دسامبر سال ۲۰۰۳ میلادی، داوطلبانه پروتکل الحاقی را به امضا رساند، اما با وجود امضای آن هنوز آن را به اجرا درنیاورده است.
کشورهایی که پروتکل الحاقی را به اجرا درمی‌آورند به آژانس بین‌المللی انرژی اتمی اجازه می‌دهند به طور سر زده از تاسیاست هسته‌ای یا دیگر مجتمع‌های نظامی و غیر نظامی بازرسی کند. این پروتکل، تعهداتی بیش از پیمان عدم گسترش سلاح‌های هسته‌ای برای کشورهای امضا کننده ایجاد می‌کند.
گوردون دوگید، معاون موقت سخنگوی وزارت خارجه آمریکا، در ادامه بیانیه خود آورده است: «در نتیجه عمل نکردن ایران به تعهداتش و عدم شفافیت با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، جامعه جهانی نمی‌تواند به ماهیت صلح آمیز برنامه هسته‌ای ایران مطمئن باشد.»
تاکنون سه قطعنامه تحریمی در شورای امنیت سازمان ملل متحد علیه برنامه هسته‌ای ایران به تصویب رسیده است. در این قطعنامه‌ها از ایران خواسته شده است ضمن اجرای پروتکل الحاقی، تهران به غنی‌سازی اورانیوم پایان بخشد.
ایران، غنی‌سازی اورانیوم را بخشی از حقوق مندرج در پیمان منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای (ان پی تی) می‌داند و قطعنامه‌های شورای امنیت را دارای انگیزه‌های سیاسی تلقی می‌کند.
با این حال پس از آنکه آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، به عنوان بازوی نظارتی سازمان ملل در امور منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای، اعلام کرد نمی‌تواند درمورد ماهیت برنامه هسته‌ای ایران به نتیجه برسد، پرونده ایران را به شورای امنیت این سازمان فرستاد.

«پاسخ روسی به تهدید ایران»

روزنامه کریستین ساینس مانیتور تحلیلی از جان هاگز منتشر کرده است که در آن نویسنده معتقد است مسئله هسته‌ای ایران بدون همکاری روسیه حل نخواهد شد.

جان هاگز استاد روابط بین‌الملل در دانشگاه بریگام یونگ و از مقام‌های امنیتی دولت رونالد ریگان در مقاله خود با عنوان «پاسخ روسی به تهدید ایران» نوشته است، صرف نظر کردن آمریکا از سامانه دفاع موشکی در شرق اروپا می‌تواند، مسکو را به مهار تهدید هسته‌ای ایران ترغیب کند.

آقای هاگز در مقاله خود آورده است، چند ماه پیش برند اسکاوکرافت مشاور امنیت ملی پیشین دولت آمریکا در پاسخ به پرسشی در باره موضوع ایران گفته بود، مشکل ایران بدون روسیه حل نخواهد شد.

به نوشته وی، گویا یکی از اعضای دولت باراک اوباما این توصیه اسکاوکرافت را شنیده است، زیرا شواهد و قراین بسیاری حاکی از آن است، که دولت جدید آمریکا حاضر است، در مقابل فشار روسیه بر ایران برای پایان بخشیدن به برنامه هسته‌ای نظامی‌اش از ایجاد سامانه دفاع موشکی در پشت دروازه‌های مسکو صرف نظر کند.

آقای هاگز می‌نویسد، روس‌ها از همان آغاز در مقابل این پروژه موضع گرفتند، در حالی که دولت جرج بوش این پروژه را واکنشی به تهدید احتمالی از جانب ایران می‌دانست و همواره تأکید می‌کرد، سپر دفاع موشکی آمریکا که قرار است در کشورهای لهستان و جمهوری چک ایجاد شود، تهدیدی برای روسیه محسوب نمی‌شود.

این در حالی است که جو بایدن معاون رئیس‌جمهور آمریکا در سخنرانی خود در کنفرانس امنیتی مونیخ در اوایل ماه جاری میلادی از آمادگی آمریکا برای گفت‌وگو با روسیه درباره طرح سپر موشکی این کشور خبر داده و هیلاری کلینتون وزیر امور خارجه آمریکا هم گفته بود، چنانچه ایران به برنامه هسته‌ای نظامی خود پایان دهد، آمریکا هم درباره سامانه دفاع موشکی خود تجدید نظر خواهد کرد.

جان هاگز آنگاه به سخنان باراک اوباما در گفت‌وگو با شبکه تلویزیونی العربیه اشاره می‌کند، که گفته بود، اگر کشورهایی مانند ایران مشت‌های گره کرده خود را در مقابل آمریکا باز کنند، با دستان گشوده آمریکا روبه‌رو خواهند شد.

وی با اشاره به روابط نزدیک اقتصادی و نظامی روسیه با ایران و نفوذ این کشور بر تهران این پرسش را مطرح کرده است، که آیا اصولاً مسکو مایل است از نفوذ خود برای متقاعد ساختن ایران برای توقف برنامه هسته‌ای این کشور استفاده کند یا خیر؟

جان هاگز در مقاله خود با استناد به سخن معروفی از وینستون چرچیل مبنی بر اسرارآمیز بودن روسیه می‌نویسد، پی بردن به خواسته‌های روسیه همچنان دشوار است. رویکرد روس‌ها نسبت به آمریکا آمیزه‌ای از ستیزه‌جویی و میل به نزدیکی و همکاری است. با این همه روسیه آمادگی خود را برای همکاری با دولت جدید آمریکا اعلام کرده است.

به باور آقای هاگز روسیه علاقه‌ای به دستیابی ایران به توان هسته‌ای نظامی ندارد. اما پیش از آن که روسیه حاضر به استفاده از توان سیاسی خود برای جلوگیری از هسته‌ای شدن ایران شود، باید بهای مناسبی برای این اقدام خود از آمریکا دریافت کند. با این حال باید دید، آیا صرف نظر کردن آمریکا از سپر دفاع موشکی خود در اروپای شرقی روس‌ها را قانع می‌کند یا خیر؟ همچنین باید دید آیا روس‌های زیرک اصولاً می‌توانند از پس ایرانی‌های به مراتب زیرک‌تر برآیند؟

جان هاگز در پایان مقاله خود با اشاره به تأثیرات ناشی از کاهش بهای نفت در اقتصاد ایران و نیز چالش‌هایی که دولت احمدی‌نژاد با آن دست به گریبان است، این پرسش را مطرح می‌سازد که آیا ایران در پی آن است که ضمن وفادار ماندن به تفسیری محافظه‌کارانه از اسلام صرفاً به یک قدرت هسته‌ای منطقه‌ای تبدیل شود، یا این که به کشوری پیشرفته مبدل شده و به مردم با استعداد خود فرصت بروز توانایی‌هایشان را بدهد و از این طریق جایگاه خود را در جامعه جهانی باز یابد؟

وزیر دفاع ایران خواستار دریافت فن آوری نظامی جدید از روسیه شد

مصطفی محمد نجار، وزیر دفاع ایران ابراز امیدواری کرد که روسیه فن آوری نظامی جدید در اختیار جمهوری اسلامی قرار دهد.

آقای نجار در یک کنفرانس خبری در مسکو گفت، ایران امیدوار است که برای مدرنیزه کردن ارتش خود از کمک روسیه برخوردار شود و این کشور سلاح های جدید در اختیار تهران قرار دهد.

روسیه روابط نزدیکی با جمهوری اسلامی دارد و به رغم مخالفت آمریکا و اسراییل به ایران سلاح می دهد.

نتان یاهو: ایران و تروریسم عمده ترین تهدیدها علیه اسرائیل هستند

در اسرائیل بنیامین نتان یاهو، رهبر حزب راست گرای لیکود، امروز پس ازآنکه از سوی شیمون پرز، رئیس جمهوری مامور تشکیل دولت جدید ائتلافی شد، ایران و تروریسم را عمده ترین خطراتی که اسرائیل را تهدید می کنند، توصیف کرد.

آقای نتان یاهو شش هفته فرصت دارد تا دولت جدید را تشکیل دهد. او امروز گفت که مایل به تشکیل دولتی فراگیر با مشارکت حزب میانه روی کدیمه و حزب کارگر است، اما تسیپی لیونی، رهبر حزب کدیمه، از پیش گفته است که علاقه ای به اینکار ندارد.

در انتخابات اخیر پارلمانی اسرائیل، حزب کدیمه ۲۸ کرسی و حزب لیکود به ۲۷ کرسی را بدست آوردند اما هیچکدام به تنهائی قادر به تشکیل دولت نیستند. بخت حزب لیکود برای تشکیل دولت ائتلافی جدید، پس از آنکه احزاب راست افراطی حمایت خود را از آن اعلام کردند، افزایش یافته است.

حزب لیکود اکنون می تواند روی ۶۵ کرسی از ۱۲۰ کرسی پارلمان حساب کند.

BBC PERSIAN.com

'پیشنهادهای پشت پرده ایران به غرب'

یک مقام ارشد بریتانیایی جزئیات آنچه را که می گوید پیشنهاد ایران برای پایان دادن به حمله به نیروهای بریتانیایی در عراق بوده، فاش کرده است.

در یک برنامه مستند که قرار است شنبه ۲۱ فوریه از شبکه 2 تلویزیون بی بی سی پخش شود، جان سورز، نماینده بریتانیا در سازمان ملل متحد از گفتگوهای پشت پرده بین ایران و غرب سخن گفته و می گوید پیشنهادهای ایران در سال 2005 یعنی هنگامی که حمله به سربازان بریتانیایی و آمریکایی در عراق با بمب هایی که در کنار جاده کارگذاشته شده بود به اوج خود رسیده بود، مطرح شده بود.

در آن موقع ابعاد نقش ایران در مسلح ساختن و آموزش پیکارجویان روشن نبود و دولت ایران همواره هرگونه نقشی در این مورد را تکذیب

کرده بود.
ولی جان سورز در برنامه بی بی سی می گوید نه تنها ایران به طور خصوصی به دخالت خود در حملات با بمب اذعان کرده بود، حتی پیشنهاد کرده بود در برابر پایان دادن به این حملات، غرب از مخالفت با برنامه غنی سازی اورانیوم ایران دست بردارد.
جان سورز می گوید دولت بریتانیا این پیشنهاد را که در جریان یک مذاکره غیر رسمی در هتلی در لندن عنوان شده بود، نپذیرفته بود.
جان سورز در این باره به بی بی سی می گوید: " ایرانیانی بودند که به لندن می آمدند و پیشنهاد صرف چای در یک هتل را می دادند. آنان همین کار را در پاریس و برلین هم می کنند (می کردند) . بعدا ما یادداشت هایی را که داشتیم با هم مقایسه می کردیم."
جان سورز می افزاید: " ایرانی ها می خواستند با ما به توافقی برسند که بر اساس آن به کشتن نیروهای ما در عراق پایان دهند و در عوض مجاز باشند که برنامه هسته ای خود را دنبال کنند. آنها می گفتند ما به کشته شدن شما در عراق و تضعیف روند سیاسی عراق پایان می دهیم، شما هم به ما اجازه دهید برنامه هسته ای مان را بدون مزاحمت دنبال کنیم."
دولت بریتانیا این پیشنهاد را نپذیرفت و اندکی بعد ایران برنامه غنی سازی هسته ای را از سر گرفت.
الگوی قدیمی
در ادامه برنامه بی بی سی، به این موضوع پرداخته می شود که این ماجرا تنها یک مورد از الگوی معاملات پشت پرده با ایرانی هاست که به نظر می رسد سابقه آن به سال 2001 برمی گردد.
آگاهی از این تماس ها در نتیجه مصاحبه با مقامات ایرانی و آمریکایی پس از حملات 11 سپتامبر است. این اطلاعات نشان می دهد ایران برای سرنگون کردن طالبان و اخراج القاعده از افغانستان، همکاری نزدیکی با آمریکا داشته و حتی دو کشور برای تعیین دقیق هدف های نظامی جهت بمباران، اطلاعات محرمانه را فراهم می آوردند.
در مورد عراق هم محمد خاتمی رئیس جمهوری اصلاح طلب ایران برای سرنگون کردن صدام حسین پیشنهاد همکاری داده و چنین استدلال می کرد که رهبر عراق، دشمن ایران هم هست.
ولی پس از آن که جورج بوش رئیس جمهوری سابق آمریکا،ایران را بخشی از "محور شرارت" خواند، روابط ایران و آمریکا وخیم تر شد و در نهایت مذاکراتی که به ابتکار اروپایی ها آغاز شده بود، به جایی نرسید.
پیشنهادهای جاری
در این فیلم مستند نیک برنز، که تا سال گذشته میلادی مسئول بخش ایران در وزارت امور خارجه آمریکا بود، می گوید سیاست آمریکا مبنی بر سرسختی نشان دادن در برابر ایران هم بی نتیجه ماند.
نیک برنز می گوید : "ما تغییر رژیم (ایران) را توصیه می کردیم. برای سال ها ما موضع بسیار تهدیدکننده ای در قبال ایران داشتیم که موجب هیچ جنبشی نشد."
بریجیت کندال، گزارشگر بی بی سی در امور دیپلماتیک می گوید با وجود مجموعه مصاحبه های قابل توجه، در این برنامه به چشم انداز بهبود احتمالی روابط ایران و غرب پرداخته نشده و شکاف اساسی نیز به قوت خود باقی است: اینکه تمام طراحان برنامه سیاسی ایران حتی محمد خاتمی اصلاح طلب، بر این نکته پافشاری می کنند که ادامه برنامه هسته ای ایران بدون هیچ گونه مانعی، حق قانونی ایران است.

BBC PERSIAN.com **مرد محکوم به سنگسار به دار آویخته شد**
در پی تبدیل حکم سنگسار عبدالله فریور به اعدام با طناب دار، وی که به جرم زنای محصنه در ساری به سنگسار محکوم شده بود، صبح روز پنجشنبه اول اسفند در زندان این شهر به دار آویخته شد.
این معلم موسیقی پنجاه ساله، در سال 1383 به اتهام داشتن روابط جنسی پیش از ازدواج با دختری که شاگرد موسیقی اش بوده است، دستگیر شد و چندی بعد به دلیل متاهل بودن در آن زمان به جرم زنای محصنه به سنگسار محکوم شد.
درخشنده نورسته، مادر عبدالله فریور در گفت وگو با بخش فارسی بی بی سی گفت که یک روز پیش از اعدام، به آنها اعلام شده که حکم آقای فریور از سنگسار به اعدام با دار تبدیل و این حکم در ساعت 6 صبح روز پنجشنبه اجرا شده است.
خانم نورسته افزود که فرزندش این دختر را به ازدواج موقت خود در آورده بوده و دلیل رابطه اش با این دختر، بیماری همسر آقای فریور بوده که امکان ارتباط جنسی را از او گرفته بود.
شادی صدر وکیل دادگستری و فعال حقوق بشر در تهران در گفت وگو با بخش فارسی گفت که این نخستین بار است که حکم سنگسار به اعدام تبدیل شده است.
به گفته خانم صدر حدود 14 نفر محکوم به مرگ با مجازات سنگسار در زندان های ایران به سر می برند که با اعدام آقای فریور، نگرانی در خصوص سرنوشت این زندانیان بیشتر شده است.
طبق قانون مجازات اسلامی مجازات زنای محصنه سنگسار است که در مواردی با تحمل ضربه شلاق نیز همراه است.
مجازات سنگسار در قوانین جزایی ایران وجود دارد و در مواردی برای محکومان صادر می شود، اما مقامات قضایی ایران بارها تاکید کرده اند که این حکم سال ها است در ایران اجرا نمی شود.
با این حال سال گذشته حکم سنگسار در روستایی نزدیک شهرستان تاکستان در غرب قزوین، علی رغم دستور آقای شاهرودی به توقف اجرای حکم، اجرا شد. اجرای حکم سنگسار اعتراض شدید سازمان های داخلی و بین المللی را در پی داشت.
در لایحه جدید قانون مجازات اسلامی که به مجلس ارائه شده، تبصره ای به مجازات زنا افزوده شده است:" هرگاه اجرای حد رجم (سنگسار) مفسده داشته و باعث وهن نظام شود، با پیشنهاد دادستان مجری حکم و تأیید رئیس قوه قضاییه در صورتی که موجب حد با بینه شرعی اثبات شده باشد، رجم تبدیل به قتل می‌شود و در غیر این صورت تبدیل به صد ضربه شلاق می‌گردد."

BBC PERSIAN.com **مجازات کارفرمایان ایرانی برای استفاده از کارگران افغان**
وزارت کار ایران به کارفرمایان این کشور هشدار داده که در صورت استفاده از نیروهای کار خارجی غیر مجاز حداقل به مدت ۸۱ روز زندانی خواهند شد.
حمید حاجی عبدالوهاب معاون وزیر کار ایران به خبرگزاری دانشجویان ایران گفته است:"کارفرمایانی که بعد از دو بار مجازات باز هم از اتباع خارجی غیرمجاز استفاده کنند، مجازاتشان حداقل ۸۱ روز زندان خواهد بود."

عمده اتباع غیر مجاز در ایران افغان هستند و دولت ایران از دو سال پیش برنامه هایی را برای واردار کردن کارفرمایان ایرانی به استفاده نکردن از نیروهای کار افغان به اجرا گذاشته است.
دولت ایران دو سال پیش و بعد از شکست طرح اخراج افغان های مقیم ایران، تصمیم گرفت تا کارفرمایان را وادار کند از کارگران ایرانی به جای کارگران افغان استفاده کنند.
در این طرح ضمن در نظر گرفتن مجازات های مالی، برای کارفرمایانی که از کارگران ایرانی به جای کارگران افغان استفاده می کردند تسهیلاتی نظیر معاف شدن از پرداخت حق بیمه به مدت سه سال نیز در نظر گرفته شد.
اما این طرح چندان موفقیت آمیز نبود و دولت با وجود اجرای گسترده طرح مجازات مالی کارفرمایان نتوانست مانع از به کارگیری نیروهای افغان شود.
اکنون دولت به کارفرمایان هشدار داده است که این بار کارفرمایان را به دلیل استفاده از کارگران غیرمجاز افغان زندانی خواهد کرد.
به گفته آقای عبدالوهاب، جریمه کارفرمایانی که برای اولین بار از اتباع خارجی غیرمجاز استفاده کنند پنج برابر دستمزد و در صورت تکرار این رقم ده برابر دستمزد روزانه یک کارگر خواهد بود.
حداقل مزد روزانه یک کارگر هفت هزار و ۳۲۰ تومان است و کارفرمایانی که برای بار اول از اتباع خارجی استفاده کنند ۳۶ هزار و ۶۰۰ تومان و برای بار دوم باید ۷۳ هزار و ۲۰۰ تومان جریمه پرداخت کنند.
به گفته معاون وزیر کار، اگر کارفرمایی برای سومین بار از کارگر غیرمجاز استفاده کند به مدت ۸۱ روز زندانی خواهد شد.
گزارشها نشان می دهد کارفرمایان ایرانی با وجود تشدید مجازات های مالی، همچنان از کارگران افغان سختکوش و ارزان قیمت استفاده می کنند.
سه میلیون خارجی در ایران
بنابر آخرین گزارش وزارت کشور ایران نزدیک به سه میلیون مهاجر خارجی در این کشور حضور دارند که دو میلیون نفر آنها غیرقانونی هستند.
از این میان ۹۵۳ هزار تبعه افغان و ۴۳ هزار نفر تبعه عراقی مجاز و دارای کارت اقامت در ایران حضور دارند.
گزارش وزارت کشور ایران نشان می دهد که دو میلیون تبعه غیرقانونی در ایران اقامت دارند که اکثر آنها افغان هستند.
در ماههای اخیر بر تعداد افغان های حاضر در ایران افزوده شده است که به عقیده دولت ایران، دلیل آن بالا رفتن بیکاری در افغانستان است.
در سالهای اخیر ایران برنامه های گسترده ای را برای بازگرداندن افغان های مقیم ایران اجرا کرده است.
به تازگی وزارت کشور ایران اعلام کرده است که در حال حاضر طرحی برای خروج اجباری پناهجویان افغان در دست ندارد.
اواخر ماه دسامبر سال گذشته میلادی محمد کریم خلیلی، معاون دوم ریاست جمهوری افغانستان در بازگشت از سفری به ایران اعلام کرد که با مقام های ایرانی توافق شده که مهاجران افغان را در فصل زمستان اخراج نکنند.
دولت افغانستان کوشش می کند دولت ایران را متقاعد کند تا دست از اخراج دسته جمعی و اجباری پناهجویان افغان بردارد.
اخراج مهاجران افغان از ایران در چند سال اخیر در داخل افغانستان به موضوع داغی مبدل شده و اخراج "اجباری و گروهی" مهاجران باعث افزایش فشارها بر دولت این کشور شده است.
سال گذشته در پی اخراج مهاجران افغان از ایران دو عضو کابینه افغانستان از سوی شورای ملی این کشور استیضاح و رد صلاحیت شدند.
در طول سالهای اخیر ایران محدودیت هایی را بر اقامت، کار و تحصیل مهاجران افغان وضع کرده تا در چارچوب آنچه طرح بازگشت "داوطلبانه خوانده شده، آنها را مجبور به بازگشت به کشورشان کند.
اما گزارشها نشان می دهد که این برنامه ها موفقیت آمیز نبوده است و تعداد زیادی از کسانی که طبق برنامه دولت به افغانستان فرستاده شده بودند، دوباره بازگشته اند.

DW-WORLD.DE
DEUTSCHE WELLE

بحث در باره‌ی انگیزه‌ی سفر شرودر به ایران

گرهارد شرودر، صدراعظم پیشین آلمان، روز پنج‌شنبه (۱۹ فوریه) وارد ایران شد. شرودر سفر خود را غیر سیاسی خوانده، اما محافل سیاسی ایران نظر دیگری در این مورد دارند. مصاحبه با فرزانه روستایی، دبیر بین‌الملل روزنامه‌ی ‘‘اعتماد’’.
دویچه وله: خانم روستایی، سفر صدراعظم پیشین آلمان، گرهارد شرودر، به ایران چه انعکاسی در محافل سیاسی ایران داشته است؟ راجع به انگیزه‌ها و اهداف این سفر چه می‌گویند؟
فرزانه روستایی: با توجه به اینکه در حال حاضر مهمترین موضوع‌های سیاست خارجی ایران، یکی پرونده‌ی فعالیت‌های هسته‌ای ایران است و دیگری مذاکرات احتمالی با آمریکا، در نتیجه هر سفر مهمی به ایران انجام بشود، معمولا حول و حوش این دو موضوع مورد تفسیر قرار می‌گیرد.
یعنی گفته می‌شود که شرودر قرار است از طرف آلمانی‌ها نماینده‌ی وساطتی بین ایران و جامعه‌ی جهانی بشود، یا احتمال دارد که شرودر حامل پیامی از طرف دولت آمریکا باشد. حداقل جامعه‌ی خبری ایران سفرهای مقامات اروپایی به ایران را در حال حاضر این گونه تفسیر می‌کند.
اخیرا رفت و آمدهای زیادی با عراق صورت گرفته است. امروز هم قرار بوده آقای رفسنجانی به بغداد سفر کنند. آیا در مورد اینکه آقای شرودر بخواهد در روابط بین ایران و عراق میانجیگری کند، گمانه‌زنی می‌شود؟
مسائل مهم در جامعه‌ی ایران، بخصوص مسائل مرتبط با جهان خارج، مشروط و منوط به این است که در آینده ارتباطهای ما با آمریکا به چه ترتیبی پیش برود. این ارتباطها خصمانه خواهد بود یا دوستانه؟ یا مذاکره‌ای بر اساس تعریفی شروع می‌شود یا نمی‌شود؟ به نظر می‌رسد این رفت و آمدها به عراق، با توجه به اینکه الان عراق به صورت نسبی شرایطی آرام را می‌گذراند و با توجه به اینکه عراق شاهد دو دور گفت‌وگوهای نسبتا مستقیم ایران و آمریکا بوده، بی‌تردید سفرهای متمرکز و متراکمی که دارد انجام می‌شود، بدون ارتباط به این مهمترین مسئله‌ی سیاست خارجی ایران باشد. یعنی برقراری تماسهایی با آمریکا، بده بستان‌های پیامی و شاید هم به عبارتی زمینه‌سازی برای دیدارها و گفت‌وگوهای شسته‌رفته‌تر و بدون تعارف‌تری.
درنشست خبری‌شرودر در هتل استقلال این پرسش مطرح شده بوده که آیا صدراعظم پیشین آلمان حامل پیامی از سوی آمریکا یا گروه پنج باضافه‌ی یک است یا نه – یعنی همان‌طوری که شما گفتید انگیزه‌ها و اهدافی که برای سفر شرودر به ایران قائل می‌شوند. چرا راجع به این

مسئله که در مطبوعات آلمان انعکاس یافته و سفیر ایران در آلمان هم گفته بحثی نمی‌شود، که این سفر در پیوند است با مسئله‌ی گاز و صدور آن از ایران به اروپا؟
یک نکته را نمی‌شود انکار کرد که به غیر از آن دو موضوع که گفتم، مجموعه‌ی اتحادیه‌ی اروپا یک مشکل دارد و آن هم مشکل تامین انرژی است و مشکل‌های در ارتباط با آن، یعنی روسیه و مسیر اوکراین و مشکل‌هایی که هر سال در این عرصه پیش می‌اید. ایران هم دومین ذخایر گاز شناخته‌شده‌ی جهان را فعلا در اختیار خودش دارد. اگر این رفت و آمدها بتواند منجر به امضای قراردادی مبنی بر تامین نیازهای گازی اتحادیه‌ی اروپا بشود، این در عین حال می‌تواند کمکی باشد برای اینکه آن دو موضوع دیگر هم تحت تاثیر قرار گیرد و تسهیل شود.
در مناسبات بین‌المللی ایران برای آلمان چه نقش و اهمیتی قائل هستند؟
من فکر می‌کنم وزنی که آلمانی‌ها در مجموع اتحادیه‌ی اروپا بازی می‌کنند و رابطه‌ی گرم و صمیمی که آلمانی‌ها با آمریکایی‌ها دارند، و افزون بر آن اینکه آلمانی‌ها برای مدتها شریک اول تجارت خارجی ایران بوده‌اند، نقشی که آلمانی‌ها برای ایران داشته‌اند و دارند، قابل مقایسه با رابطه‌ی خارجی ایران با هیچ کشوری، برای مثال با انگلیس یا حتی فرانسه هم نمی‌تواند باشد. به لحاظ اینکه رابطه‌ی ایران همیشه با آلمانی‌ها بسیار گسترده بوده است. با توجه به اینکه روابط تجاری ما کاهش یافته است، این سفرها می‌تواند منجر به شکوفایی روابط تجاری دو کشور هم بشود.

کانون زنان ایرانی

وکیل پرونده: نابودی مدارک مهم در پرونده مرگ مشکوک زهرا بنی یعقوب

به گفته عبدالفتاح سلطانی ،یکی از وکلای مدافع پرونده مرگ مشکوک زهرا بنی یعقوب "بخشی از مدارک جرم این پرونده از بین رفته است. یکی از مدارک مهم لباس های زهرا درهنگام مرگ است که احتمالا آثار جرم بر آن وجود داشته و شاید به همین دلیل متهمان حاضر به تحویل آن نشده اند. "
سلطانی با بیان این مطلب به خبرنگار کانون زنان ایرانی گفت : "همه تلاش های یکسال گذشته خانواده و تیم وکلای مدافع پرونده برای بازپس گیری لباس هایی که زهرا به هنگام بازداشت برتن داشته ،تا امروز بی نتیجه مانده است .علاوه براین پارچه ای که ادعا می شود زهرا خود را با آن در اداره منکرات همدان حلق آویز کرده است ،ناپدید شده است.این پارچه باید توسط متخصصان کارشناسی و مشخص می شد که آیا اصلا چنین پارچه ای تحمل وزن زهرا را برای دارزدن داشته است ،یا نه؟علاوه براین تاکنون بازجویی دقیق از متهمان پرونده به عمل نیامده است تا نواقص پرونده روشن شود."
دکتر زهرا بنی یعقوب یک سال و نیم پیش برای گذراندن دوره طرح پزشکی اش به صورت داوطلبانه راهی یکی از روستاهای دور افتاده استان همدان شد. او وقتی برای دیدن نامزدش به یکی از پارک های شهر همدان می رود توسط نیروهای امر به معروف بازداشت و پس از گذشت چند روز خبر خودکشی او در این بازداشتگاه به خانواده اش داده شد. خبری که هر گز نتوانست خانواده دکتر زهرا را قانع کند. آنها معتقد ند فرزندشان در پی یک بازداشت غیر قانونی در این بازداشتگاه موقت به قتل رسیده است.
پدر زهرا نیز در این باره به کانون زنان ایرانی گفت :"بارها به اداره منکرات همدان ،دادگستری و پزشکی قانونی این شهر مراجعه و درخواست کرده ام که لباس های فرزندم را که به هنگام مرگ پوشیده بود به ما پس بدهند.روزهای اول ما را از این بحش به آن بخش ارجاع می دادند و حالا مدتی است که ادعا می کنند لباس ها را قبلا به ما تحویل داده اند.اما دروغ می گویند و هیچ مدرکی مبنی بر تحویل لباس ها به ما ندارند."
او احتمال می دهد روی لباس فرزندش آثار مشهودی همچون خون و یا پارگی ناشی از ضرب و جرح وجود داشته است و به همین دلیل آن را پس نمی دهند.
پدر زهرا همچنین معتقد است که برگهایی از پرونده فرزندش که مربوط به بازجویی از متمهان بوده ، نیز از بین رفته است.
او همچنین در باره کمسیون پزشکی که اخیرا و پس از اعتراض وکلا و خانواده به گزارش قبلی پزشک قانونی تهران در این باره برگزار شده است ،می گوید :"این کمیسیون با حضور هفت پزشک تشکیل شد و نزدیک به ۴۵ دقیقه به طول انجامید .آنها از من سوالاتی در باره وضع روحی و روانی دخترم پرسیدند که آیا سابقه ابتلا به بیماری های عصبی را داشته است و هرگز داروهای اعصاب مصرف می کرده یا نه؟که پاسخ دادم هیچ وقت هیچ مشکلی در این زمینه نداشته است.من از پزشکان خواستم به خاطر سوگندی که خورده اند گزارش منصفانه و بی طرفانه ای در باره مرگ دخترم تهیه کنند که نمی دانم نتیجه چه خواهد شد."
به گفته عبدالفتاح سلطانی از جمله موارد اعتراضی وکلا به گزارش قبلی پزشکی قانونی این است که چرا پزشکی قانونی همدان جمجه را نشکافت تا مشخص شود ضربه به سر زهرا وارد شده است یا نه؟ و چرا کمیسیونی که در تهران به این منظور تشکیل شد گزارشش را بدون توجه به این خطاای مهم تنظیم و ارائه کرده است.

رادیو بین المللی فرانسه

رد درخواست های آژانس بین المللی انرژی از سوی ایران

به قلم : فواد روستائی
علی اصغر سلطانیه نمایندۀ ایران در آژانس
در پی انتشار گزارش جدید محمد البرادعی، مدیر کل آژانس بین المللی انرژی اتمی در مورد پروندۀ هسته ای ایران در روز پنجشنبه، علی اصغر سلطانیه، نمایندۀ ایران در آژانس اعلام کرد که این گزارش در بردارندۀ مطلب تازه ای نیست.
به گفتۀ علی اصغر سلطانیه ایران در چهارچوب تعهدات حقوقی و مطابق با پادمان و ان.پی.تی. با آژانس همکاری میکند.
البرادعی در گزارش جدید از جمله اعلام کرده است که ایران نه تنها غنی سازی را به حال تعلیق در نیاورده است بلکه اجرای پروتکل الحاقی پیمان منع گسترش هسته ای را نیز از سر نگرفته است. آژانس در گزارش خود تأکید می کند که اجرای این پروتکل پیش نیازی است که آژانس بر اساس آن بتواند به گونه ای معتبرعدم وجود فعالیت ها و مواد هسته ای اعلام نشده در ایران را مورد تأیید قرار دهد.
در بخش دیگری از این گزارش گفته شده است که ایران همچنین با در خواست آژانس برای اجازۀ دسترسی به اماکن دیگر مرتبط - به عنوان اقدامی اعتماد ساز- موافقت نکرده است. سرانجام این که در این گزارش به تصریح گفته شده است که "متأسفانه به دلیل تداوم عدم همکاری ایران در ارتباط با مسائل لاینحل باقی مانده، آژانس به هیچ گونه پیشرفتی در بارۀ این مسائل دست نیافته است".

محمد البرادعی در این گزارش بار دیگر از ایران خواسته است تمام اقدامات مورد نیاز را برای جلب اعتماد به ماهیت غیرنظامی فعالیت های هسته ای خود در سریع ترین زمان ممکن انجام دهد. علی اصغر سلطانیه در ارتباط با تعلیق غنی سازی اورانیوم و از سرگیری اجرای پروتکل الحاقی- دو درخواست آژانس- گفت: ایران تنها در چهارچوب تعهدات حقوقی و مطابق با پادمان و پیمان منع گسترش هسته ای (ان.پی.تی.) عمل خواهد کرد و بدیهی است که فراتر از این کاری نخواهد کرد.
نمایندۀ ایران در آژانس در خواست های آژانس را ناموجه خواند و یادآور شد که ایران در گذشته به مدت دو سال ونیم به طور داوطلبانه پروتکل الحاقی را اجرا کرد و توقف آن ناشی از اقدام آژانس مبنی بر ارجاع پروندۀ ایران به شورای امنیت بود.
در ارتباط با ذخایر اورانیوم غنی شدۀ ایران، اورانیوم موسوم به کیک زرد، علی اصغر سلطانیه تأکید کرد که ایران در این مورد با کمبودی روبرو نیست و معادن اورانیوم ایران نیز رو به پایان نمی باشد.
اخیراً گروهی از تحلیلگران غربی از روبرو شدن ایران با مشکلاتی در ارتباط با تهیۀ اورانیوم غنی شده به میزان ضعیف خبر داده بودند.
علی اصغر سلطانیه گفت: معادن اورانیوم ایران کماکان در حال بهره برداری است و ایران با هیچ مشکلی در عرصۀ تهیۀ کیک زرد رو برو نیست.
در مسکو، یکی از معاونان وزارت امور خارجۀ روسیه در روز جمعه گفت که این کشور خود را به راه اندازی بموقع نیروگاه بوشهر متعهد می داند و تحویل سوخت مورد نیاز این نیروگاه در سال دوهزار و هشت تأییدی بر این تعهد است.

ادوارنیوز

انتقاد کرباسچی از حامیان خاتمی: آنها که قیافه روشنفکری و ژست جامعه مدنی می‌گیرند زوزه‌های سگ‌ها در پس بندهای انفرادی و نمور اوین را نشنیده‌اند

غلامحسين كرباسچي با اشاره تلويحي به تخريب كروبي توسط خود اصلاح‌طلبان، گفت: اينكه شايعه كنند كروبي 300 ميليون تومان گرفته تا در عرصه انتخابات وارد شود و مشكل درست كند، كار جناح اصولگرا نيست بلكه برخي به دنبال ايجاد بدبيني در جبهه اصلاحات هستند.
به گزارش فارس، غلامحسين كرباسچي دبيركل حزب كارگزاران سازندگي عصر پنج‌شنبه در اولين كنگره سراسري شاخه‌هاي جوانان و دانشجويان حزب اعتماد ملي با عنوان پيشگامان مدنيت و مروجان عقلانيت در مركز همايش‌هاي بين‌المللي رايزن اظهار داشت: بعد از شهيد بهشتي تنها روحاني كه به ضرورت تحزب تاكيد و حزب ايجاد كرد كروبي بود البته بعضي از روحانيون تشكيلاتي راه مي‌اندازند اما برمبناي كاريزماگري و مريد و مرادي حتي برخي روحانيون سانتي مانتال.
دبيركل حزب كارگزاران سازنگي عنوان كرد: مرحوم شهيد بهشتي انواع و اقسام تهمت‌ها را به جان خريد درحالي كه هماناني كه اين سخنان را به زبان مي‌آوردند خودشان خشن‌ترين راه‌ها را انتخاب مي‌كردند.
كرباسچي اظهار داشت: هر آدمي با هر مسلكي به زندان افتاده، كروبي راه مي‌افتد و موضوع را پيگيري مي‌كند اما آنها كه قيافه روشنفكري مي‌گيرند و با گفتن مسائل روشنفكري و اصلاح‌طلبانه ژست جامعه مدني مي‌گيرند طعم زندان و زوزه‌هاي سگ‌ها در پس بندهاي انفرادي و نمور اوين را نكشيده‌اند.
وي به ديدار خود با دانشجويان طي روزهاي اخير اشاره كرد و گفت: بيان اينكه كروبي 300 ميليون تومان گرفته تا در عرصه انتخابات وارد شود و مشكل درست كند يكي از مباحثي بود كه دانشجويان در آن خصوص از من سئوال كردند، اين حرف‌ها را جناح اصولگرا در نمي‌آورد و ما دردمان همين است، ما كه بارها گفته‌ايم كه بيائيد با برادري و همرايي وارد شويم برخي به دنبال ايجاد بدبيني در جبهه اصلاحات هستند.
كرباسچي دبيركل حزب كارگزاران در ادامه سخنان خود در اولين كنگره سياسي شاخه‌هاي جوانان و دانشجويان حزب اعتماد ملي اظهار داشت: در مقطعي جوي را براي بني‌صدر در ابتداي انقلاب بوجود آوردند كه انگار همه مؤمنين و موحدان با وي هستند، ما اگر قدري مشكل اخلاقي نبود، مي‌گفتم كه چه كساني بودند كه در همان زمان مرا مسخره مي‌كردند كه كرباسچي طرفدار حبيبي است، آنقدر فضا را پيچيده كرده بودند كه گويا حضرت امام(ره) و دفتر ايشان طرفدار بني‌صدر هستند.
وي ادامه داد: همين دوستان روشنفكر كه آنروز آنگونه فكر مي‌كردند اكنون فرصت آزادي و انتخاب بدهند.

ادوارنیوز

عبدالله نوری: اکثریت دیکتاتورهای جهان منتقدان خود را متهم به مزدوری بیگانه و ده ها اتهام دیگر می کنند

ادوارنیوز:اعضای شورای مرکزی دفتر تحکیم وحدت طی دیداری با عبدالله نوری ضمن دعوت از وی مبنی بر حضور فعالتر و پررنگ در عرصه تحولات اجتماعی و سیاسی ایران، به بیان دیدگاههای خود پیرامون مسایل روز جامعه پرداختند.
عبدالله نوری در این نشست و در آغاز سخنانش گفت: در تمامی انقلاب ها تصور ایجاد مدینهء فاضله بعد از پیروزی انقلاب وجود دارد، مردمی که انقلاب می کنند فکر می کنند که پس از پیروزی انقلاب دنیا برایشان بهشت می شود. بسیاری از شخصیت های انقلابی دنیا از ابتدا تصور نمی کردند روزی پس از پیروزی انقلابشان خود به دیکتاتوری مستبد تبدیل شوند ولی در نهایت عملکردشان آنها را در جایگاه مستبدان تاریخ نشاند، شاید از اکثریت قریب به اتفاق دیکتاتورهای جهان اگر سئوال شود چرا به این مسیر گرفتار شده اند ضمن نپذیرفتن این نسبت، سئوال کننده را متهم به مزدوری بیگانه و ده ها اتهام دیگر نمایند. بسته به حد دیکتاتوری و وحشت دیکتاتور، با سئوال کننده و یا منتقد و یا مخالف برخورد می شود. همیشه در آغاز هر انقلابی مبارزان آرمان خواهند و شعارهای زیبا می دهند ولی رفته رفته آرمان ها فراموش می شود و حفظ قدرت به هر قیمت برای برخی اصل می گردد. بسیاری افراد که پس از دوران انقلاب بر مسند قدرت قرار می گیرند و مدعی انقلاب نیز هستند تصوری غیر از رفتار خود از انقلاب داشتند. قدرت منهای اخلاق نتیجه اش همین است. بر همین اساس انسان باید به لحاظ نفسانی خیلی خود را تزکیه کند تا قدرت نتواند بر او تأثیر بگذارد. انسان باید در جهت تزکیه خود بسیار تلاش کرده باشد تا تحت تاثیر قدرت قرار نگیرد.
وی با بیان فرازهایی از سخنان حضرت علی (ع) دربارهء حکومت بر مردم گفت: امیر مؤمنان صلوات الله علیه در دو جمله همه مطلب را بیان می فرماید. روزی عبدالله ابن عباس بر امام وارد می شود و ایشان را در حال تعمیر کفشش می بیند. حضرت خطاب به عبدالله می گوید ارزش این کفش چه قدر است؟ ابن عباس نگاهی به کفش فرسوده امیر مومنان می کند و می گوید هیچ قیمتی ندارد. آنگاه حضرت می فرماید: ""به خدا سوگند این کفش بی ارزش برای من دوست داشتنی تر است از حکومت بر شما مگر آنکه حقی را بپا دارم و یا از باطلی جلوگیری نمایم."" و برای اینکه از این ادعای بسیار سنگین فاصله نگیرد در بیان دیگری می فرماید: ""مرا با مدح و ثنای نیکو ستایش نکنید و به رسم سخن گفتن با جباران تاریخ با من سخن مگویید و همانند زورمندان دژخوی از من پروا مکنید ... و چنین گمان مبرید که اگر با من سخن حقی گفته شود مرا گران می آید و نیز مپندارید که من بزرگداشت خود را خواهانم زیرا آن کس که شنیدن حق و پیشنهاد عدالت بر او سنگینی کند

عمل به آن دو برایش سنگین تر خواهد بود. بنا براین از گفتن سخن حق و نظر دادن به عدل دریغ منمایید که من در نزد خود برتر از آن نیستم که خطا نکنم و از خطا در کردار خویش نیز احساس امنیت ندارم مگر آنکه خداوند مرا کفایت کند.""
عبدالله نوری در ادامه افزود: علی علیه السلام می داند که حکومت و قدرت دارای آفت های فراوان است و چه بسا انسانی همچون علی را هم که مظهر عدل الهی است از جاده انصاف و حق دور کند که "إن الإنسانَ لَيَطغى أن رأه استَغنى". شاید هم می خواهد به همه انسان ها در طول تاریخ یک نشانی بدهد که، آنها که انتقاد از خود را بر نمی تابند در صف ستمگران تاریخ قرار دارند و یا به مرور در زمره جباران قرار می گیرند و آنهایی که می خواهند حکومتشان در مسیر حق و عدل حرکت کند همیشه در هراس هستند که مبادا این قدرت و شوکت، آنها را از مسیر حق و تواضع جدا سازد و به راه باطل و تکبر سوق دهد، به همین جهت خود را در معرض نقدها و پندها و حتی سرزنش ها قرار می دهند و مردم را به انتقاد از خویش فرا می خوانند تا مبادا فریبندگی مقام، آنها را دچار تکبر و نخوت نموده موجب فساد در حرث و نسل جامعه شوند.
وی با اشاره به آیه ای از قرآن کریم افزود: مرحوم طالقانی در بخشی از تفسیر آیه شریفه ""وَ إذا تَوَلّى سَعى فِي الْأَرْضِ لِيُفْسِدَ فِيها وَ يُهْلِكَ الْحَرْثَ وَ النَّسْلَ وَ اللّهُ لا يُحِبُّ الْفَسادَ-"" بیان می دارد: ""انسان همین که زعامت یافت میکوشد در زمین برای افساد، یا میکوشد در راه پیشرفت قدرت و نفوذش در زمین که لازمه آن افساد، مقابل اصلاح است- برهم زدن نظم و التیام طبیعی اشیاء، از میان برداشتن حقوق و حدود افراد، بستن راههای رشد و کمال و باز نمودن راههای تباهی و رشد استعدادها، برتری یافتن فرومایگان و برکناری فرزانگان و ایجاد گروهها و طبقات- همه مراتب و مظاهر افساد است که به از میان رفتن و تباهی محصول کشت و کار و نسل و استعدادها خلاصه میشود.""
عبدالله نوری با اشاره به تبعاتی که امروزه گریبانگیر منتقدین می شود افزود: مولای متقیان سلام الله علیه بهتر از همه می داند که حکومت چون از قدرت برخوردار می باشد و امکانات گوناگون در اختیار دارد، هرچه بخواهد انجام می دهد و طرف دیگر چون خود را در ضعف و چه بسا هراس میبیند از سخن گفتن و توصیهء به حق کردن و انتقاد نمودن اجتناب می کند و اگر کسی هم دل به دریا زد و به تعبیر برخی در صف افراطیون قرار گرفت و به خود جرأت داد و سخنی گفت، برای اینکه سر جایش بنشیند و دست از افراط گری بردارد و عبرت دیگران هم شود با او برخورد قاطعانه می شود و با امکانات تبلیغاتی که در اختیار حکومت است از انتقاد کننده فردی فریب خورده و بازیچه دشمن و تحت تأثیر القائات بیگانه و ده ها تعبیر دیگر می سازند و بسته به جمع بندی سیاسی که دارند نسبت به او تصمیم قضایی می گیرند. با چنین رفتاری در نهایت و بیش از همه این خود حکومت است که آسیب می بیند، امیر مومنان علیه السلام از جامعه خویش می خواهد که از انتقاد به او نهراسند و مبادا او (حاکم) را در وادی جهل و انحراف و اشتباه رهایش گذارند. او می خواهد این رفتار درسی باشد برای همه حاکمان طول تاریخ تا از او بیاموزند و با سخنان او خود را محک زنند.
عبدالله نوری درباره نوع دموکراسی موجود در جمهوری اسلامی گفت: آن زمان که در روزهای آغازین انقلاب بحث دموکراسی مطرح شد و حتی برخی از شخصیت های انقلاب درخواست داشتند که به جای جمهوری اسلامی جمهوری دموکراتیک اسلامی گفته شود هیچکس نمی گفت در جمهوری اسلامی دموکراسی نیست، بلکه بالعکس همه می گفتند در کلمه جمهوری اسلامی دموکراسی نهفته است و در بیان استدلال خود قبل از کلمه جمهوری از کلمه اسلام هم دموکراسی را برداشت می نمودند. حال پس از گذشت سی سال از انقلاب آیا همچنان همان برداشت هست؟ و آیا همگان اسلام و دموکراسی را در یک راستا می بینند؟
وی در ادامه و در بخش دیگری از سخنان خود گفت: باید تلاش نمود تا با ارتباط مؤثر و پیوسته با مردم اصلاحات واقعی و دموکراسی را در بطن توده های مردم نهادینه کرد ، چه بتوان از قدرت و حکومت استفاده نمود و چه نتوان، ولی اگر بتوان برای این کار از قدرت استفاده نمود چرا استفاده نشود؟ اگر بتوان از امکانات حکومت برای نهادینه کردن اصلاحات بهره برد چرا استفاده نشود؟ و چه بسا دوستانی که نظر بر شرکت در انتخابات دارند اینگونه می اندیشند که با پیروزی اصلاح طلبان شاید فرصت و فضای تنفسی هر چند محدودی برای نهادینه کردن اصلاحات به وجود آید و به هر اندازه که شرایط فعلی ادامه یابد اوضاع در زمینه های گوناگون بدتر شود.
عبدالله نوری در پایان سخنانش گفت: من هم مشکلات را یکی، دو مورد نمی دانم. برخوردهایی که با حقوق افراد می شود مسائل مربوط به بخشی خاص است و مشکلات عموم جامعه نیست و به تعبیر دیگر عموم جامعه با آن در گیر نیست. جامعه ای که مشکل آب و نان، گرانی، بیکاری، فقر، فساد و تبعیض دارد و در سطح محدودی از فرهنگ و علم نیز قرار دارد که شاید بسیاری از ارتباطات پیچیده را نداند و یا برای او اهمیت نداشته باشد خود را در گیر مسایل سیاسی و دعواهای جناحی و مسابقات حکومتی نمی کند. فردی که برای بیماری فرزندش به این سو و آن سو می دود و برای تهیه لقمه نانی تمامی هم و غم خویش را صرف می کند اولویت اول او سیاست نیست و شاید در این مرحله ابزار دست سیاست مداران نیز قرار گیرد تا از این راه مشکل خود را حل کند و چه بسا آن سیاستمدار است که از او هم به عنوان ابزاری در جهت منافع خود بهره می برد.
در ابتدای این دیدار مهدی عربشاهی دبیر تشکیلات دفتر تحکیم وحدت به بیان برخی دیدگاهها و نظرات خود و نیز دفتر تحکیم وحدت، پیرامون مسایل موجود در جامعه پرداخت:
در مورد 3 موضوع مایل هستیم با جنابعالی گفتگو کنیم. موضوع اول درباره دانشگاه و برخوردهای بسیار سنگینی است که با فعالان دانشجویی می شود، موضوع دوم درباره ایامی که در آن هستیم یعنی سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی و تناقضاتی که نسبت به وضعیت امروز با اهداف و شعارهای اولیه انقلاب مشاهده می شود و موضوع سوم هم بحث انتخابات است .
متاسفانه ما در این روزها و درست در سی امین سالگرد انقلاب شاهد بازداشت تعداد زیادی از دوستان دانشجویمان در امیرکبیر و شیراز و کردستان و اردبیل هستیم ، با تشکلهای دانشجویی و مخصوصا انجمن های اسلامی شدیدترین برخوردها می شود و آنها به بهانه های کاملا واهی غیرقانونی می شوند که نمونه آخر آن انجمن اسلامی دانشگاه خواجه نصیر است . البته ما انجمن ها را مثل زمان شاه در قالب غیر رسمی نگه می داریم و آنها را در شرایط بسیار سختی حفظ می کنیم تا به فعالیت خود در این فضا نیز ادامه دهند . با این همه فشار بسیار زیادی بر روی انجمنهای رسمی وجود دارد و به شیوه ای غیرقانونی از آنها می خواهند تا از تحکیم خارج شوند.
شاهد این هستیم که از مهر امسال که شورای مرکزی تحکیم آغاز به کار کرده فشار امنیتی و رسانه ای خیلی بیشتری به تحکیم وارد می شود و حملات شدیدی به این مجموعه ی دانشجویی صورت می گیرد. سناریوهای واقعا خنده داری را علیه تحکیم تدارک می بینند . اول تحکیم را به منافقین می بندند ، بعد به پژاک و عبدالمالک ریگی ، حالا هم که تحکیم صهیونیستی شده . البته از ابتدا تحلیلمان این بود که امسال به دلیل در پیش بودن انتخابات حساسیت خیلی زیاد خواهد بود و به دنبال بهانه گرفتن از ما خواهند بود و در نهایت هم با وارونه سازی یکی از اطلاعیه ها بهانه ی لازم را به دست آوردند.
سپس اعلام کردند که تحکیم از سال 83 غیر قانونی بوده که البته دیدار ما با دکتر معین ، دکتر توفیقی ، دکتر خانیکی و مصاحبه دکتر

ظریفیان که همگی از مسوولین وزارت علوم دوره اصلاحات بودند ساختگی و دروغ بودن این سناریو را نشان داد.
واقعا ما می خواهیم از شما بپرسیم روزی که انقلاب می کردید چنین تصوری داشتید که 30 سال بعد از پیروزی انقلاب چنین اتفاقاتی بیفتد؟ در این انقلاب قرار بود که مارکسیستها آزاد باشند ولی امروز حتی انجمن های اسلامی نیز در فعالیت خود آزاد نیستند. آیا واقعا شما برای چنین فضایی در کشور انقلاب کردید؟
در ادامه برخی از اعضای دفتر تحکیم وحدت به طرح سوالاتی درباره انتخابات پیش رو پرداختند و نظرات عبدالله نوری را در این زمینه جویا شدند:
پیشنهاد شما برای نوع حرکت دانشجویان در موضوع انتخابات چیست؟ ما چگونه مناسبات خود را با قدرت تعریف کنیم که استقلال جنبش دانشجویی از قدرت حفظ شود؟ ما معتقد به مطالبه محوری وبرنامه محوری هستیم و معتقدیم کاندیداها باید وعده های شفاف و قابل سنجشی بدهند و بر سر آنها ایستادگی کنند.
متاسفانه برخی از اصلاح طلبان حاضر نیستند تن به شفافیت بدهند و سطح دعوای خود را پایین آورده و به جای گفتگو بر سر برنامه و نقشه راه تحقق اهداف خود تنها بر سر چهره ها بحث می کنند.به نظر شما در این شرایط واقعا چه تصمیمی باید گرفت؟

اجرای حکم شلاق دو نفر از زنان فعال حقوق کارگری به جرم برگزاری جشن اول ماه می

دوم اسفندماه 1387- کمپین بین المللی حقوق بشر در ایران احکام شلاق دو نفر از زنان مدافع حقوق کارگران در ایران به جرم شرکت در مراسم جشن اول ماه می را محکوم کرد.
بنا بر گزارش منابع محلی، سوسن رازانی و شیوا خیرآبادی در زندان مرکزی سنندج در استان کردستان شلاق خوردند. رازانی 70 ضربه و خیرآبادی 15 ضربه شلاق خوردند.
هادی قائمی؛ سخنگوی کمپین بین المللی حقوق بشر در ایران در این باره گفت: "اجرای این احکام غیر انسانی و سبعانه شلاق نشان دهنده بی احترامی کامل به حقوق شهروندان ایرانی توسط باند تندروهای داخل قوه قضائیه است که مصمم هستند که کارنامه حقوق بشر ایران را به پائین ترین سطح ممکنه برسانند."
شعبه 101 دادگاه جزایی سنندج رازانی را به 9 ماه حبس تعلیقی و 70 ضربه شلاق و خیرآبادی را به 4 ماه حبس تعلیقی و 40 ضربه شلاق محکوم کرده بود. دادگاه تجدید نظر حکم دادگاه بدوی رازانی را تائید کرد و ضمن تائید حکم زندان خیرآبادی، ضربات شلاق او را از 40 ضربه به 15 ضربه کاهش داد. خانم رازانی و خیرآبادی روز 27 بهمن ماه 1387 از نتیجه دادگاه تجدید نظر مطلع شدند. هر دو این افراد بخاطر شرکت در جشن اول ماه می سال 2008 میلادی در سنندج محاکمه شدند.
دادگاه همچنین برای دو نفر دیگر از فعالان حقوق کارگری، عبدالله خانی و سید غالب حسینی که در همان جشن اول ماه می سال 2008 شرکت کرده بودند احکام زندان و شلاق صادر کرد.
سال گذشته قوه قضائیه کارگرانی را که در جشن اول ماه می شرکت کرده بودند محاکمه و به شلاق محکوم کرده بود.دادگاه انقلاب سنندج در تاریخ 27 بهمن ماه 1386 برای یازده نفر از کارگرانی که در جشن اول ماه می شرکت کرده بودند حکم شلاق و جریمه نقدی 200 هزار تومانی صادر کرد.در همان روز احکام ده ضربه شلاق سه نفر از کارگران به نامهای صادق امجدی، فارس گویلیان و حبیب الله کلکانی اجرا شد.
کارگرانی ایرانی که برای تشکیل اتحادیه های مستقل کارگری خود تلاش می کنند با سرکوبهای مستمر دولتی مواجه می شوند. دولت و قوه قضائیه بطور مرتب برای زندانی کردن و به سکوت کشاندن کارگران سیستم قضایی را مورد سوء استفاده قرار داده است.
کمپین بین المللی حقوق بشر در ایران از مقامات ایرانی خواست که به الزامات حقوقی بین المللی خود در به رسمیت شناختن حقوق بنیادین کارگران در آزادی تشکل و تشکیل اتحادیه های کارگری برای حفاظت از منافع کارگران پایبند باشد. این حقوق در ماه 22 میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی که ایران از امضا کنندگان آن است به رسمیت شناخته شده است. همچنین ایران که از اولین اعضای سازمان جهانی کار میباشد موظف به رعایت این حقوق میباشد.
هادی قائمی در مورد وضعیت کارگران در ایران گفت: "کارگران در ایران در وضعیت اسفبار موجود اقتصادی در سختی بسیار شدید بسر می برند. در این وضعیت این یک فوریت است که کارگران بتوانند بطور دسته جمعی مذاکره کنند و از حقوق و منافع خودشان حمایت کنند."

کمپین بین المللی حقوق بشر همچنین از مقامات قضایی و نمایندگان مجلس خواست که مجازات غیر انسانی شلاق را از مجموعه قوانین مجازات حذف کنند. قائمی در این مورد چنین ادامه داد: "در حال حاضر که مجلس مشغول بررسی قانون جدید مجازات اسلامی است لازم است که حکم شلاق بعنوان یک مجازات از مجموعه قوانین حذف بشود. "

فعالین حقوق بشر و دمکراسی

اخراج تعدادی از پرستاران زن بیمارستان 1000 تختخوابی به بهانه واهی عدم رعایت حجاب

بنابه گزارشات رسیده از بیمارستان 1000 تختخوابی تهران اولین گروه از پرستاران زن که به بهانه های واهی عدم رعایت حجاب و عدم اعتقاد به مبانی جمهوری اسلامی نامه اخراج دریافت کردند.

در طی دو هفته گذشته 35 نفر از پرستاران زن بیمارستان 1000 تختخوابی تهران (بیمارستان خمینی) به هسته گزینش دانشگاه علوم پزشکی تهران فرآخونده شدند و ضمن برخورد ناشایست با این پرستاران زحمت کش به آنها اطلاع داده شد که بدلیل عدم رعایت حجاب و عدم اعتقاد به مبانی جمهوری اسلامی اشتغال شما در بیمارستان تا آخر اسفند ماه به پایان می رسد.
در روزهای اخیر تعدادی از این پرستاران زن نامهٔ پایان کار از طرف هسته گزینش دانشگاه علوم پزشکی تهران دریافت کرده اند. اسامی تعدادی از آنها به قرار زیر می باشد: خانمها نیکو قاسم رمکی،راحله کریمی و سیما پنجعلی از پرستاران اورژانس 1 این بیمارستان و خانم مریم کشاورز از بخش زیر ستونها می باشند.علیرغم اینکه آنها بصورت کتبی اعتراض نموده اند ولی بدون رسیدگی به اعتراض آنها اقدام به اخراج این پرستاران نمودند.
هسته گزینش از ارکانهای زیر نفوذ وزارت اطلاعات می باشد و افرادی که اقدام به اخراج پرستاران زن می نمایند به نام های رجب زاده رئیس هسته گزینش و خانمی به نام دادگستر می باشند.خانم دادگستر مسئول برخورد با پرستاران زن می باشدو هنگام احضار، آنها را مورد

توهین قرار میدهد.
گزارشهای دیگر حاکی از آن است که علاوه بر بیمارستان 1000 تختخوابی در بیمارستانهای دیگر که وابسته به دانشگا علوم پزشکی تهران هستند مانند بیمارستان آرش،امیراعلم ،بهارلو،روزبه،فارابی،ضیائیان،ولیعصر قرار است که تعدادی از پرستاران زن این بیمارستانها تحت عنواین فوق اخراج شوند.
پرستاران اخراجی و در آستانه اخراج از همکاران خود در سایر بیمارستانها و مراکز بهداشتی کشور بخاطر ظلم و اجحافی که در حق آنها روا داشته شده است خواستار حمایت فعال از خود شدند و سکوت در قبال ای بیدادگری امنیت شغلی آنها را هم در معرض خطر قرار میدهد.
فعالین حقوق بشر و دمکراسی در ایران،اخراج پرستاران زن که گامی است برای حذف کردن آنها از فعالیتهای اجتماعی است و نسبت دادن اتهامات غیر واقعی علیه آنها که با تلاش و فداکاری جان همنوعان خود را در شرایط سخت نجات میدهند را محکوم می کند و از تمامی اتحادیه های جهانی که در امور بهداشت فعال هستند و همچنین از تمامی فعالین حقوق زنان خواهان حمایت از آنها است.
فعالین حقوق بشر و دمکراسی در ایران
02 اسفند1387 برابر با 20 فوریه 2009

فعالین حقوق بشر و دمکراسی

یورشهای همزمان ، گسترده و وحشیانه به منازل شخصی و دستگیری تعداد از عزیزان آنها

بنابه گزارش رسیده از تهران از صبح امروز 2 اسفند ماه مامورین وزارت اطلاعات به تعداد زیادی از خانواده ها در سطح شهر تهران یورش بردندو عزیزان آنها را دستگیر و به بند 209 زندان اوین منتقل کردند.
یورشهای گسترده امروز در حدود ساعت 07:00 صبح آغاز گردید و همچنان ادامه دارد. یورشها زمانی که خانواده در خواب بسر می بردند آغاز گردید که همراه باضرب و شتم و اهانت، بازرسی وحشیانه منازل و ضبط کردن وسائل شخصی آنها بوده است. و هنگامی که به منازل یورش برده می شد کسانی را که با آنها روبرو می شد مورد ضرب وشتم شدید قرار می دادند.
خانواده هایی که تا به حال توسط وزارت اطلاعات مورد یورش قرار گرفته اند عبارتند از خانواده دکتر هانی یازرلو، خانواده محسن نادری ،خانواده مسعود عظیمی،خانواده محمود عظیمی،خانواده ترلانی و تعداد زیادی از خانواده های دیگر که متعاقبا به اطلاع خواهد رسید.
در این یورشها تا به حال تعداد زیادی دستگیر شده اند که اسامی بعضی از آنها به قرار زیر می باشد:خانم مهسا نادری دانشجو از خانواده نادری و پدر ایشون آقای محسن نادری بدلیل شرکت در مراسم گرامیداشت نوزدهمین سالگرد قتل عام 67 درحال حاضر در بند 8 زندان اوین زندانی است.حامد یازرلو برادر دانشجوی زندانی هود یازرلو که در حال حاضر در بند 8 زندان اوین زندانی است ،حسن ترلانی 22 ساله می باشند.
بازجویان وزارت اطلاعات یورشهای خود به منازل بصورت همزمان آغاز کردند . مامورین وزارت اطلاعات صبح امروز 2 اسفند ماه هنگامی که به منزل آقای ترلانی یورش بردند وقتی که آقای ترلانی از آنها پرسید شما کی هستید و چی می خواهید ابتدا درب منزل را شکستند و هنگام ورود به منزل ، به نقطه حساس بدن ایشون ضربه ای وارد کردند که مدتی در بیهوشی بسر می برد. آنها پس از ورود به منزل شروع به بازرسی منزل آنها نمودند این بازرسیها موجب تخریب وسائل منزل و ایجاد خسارت گردید. آنها سی.دی، کتابها ،آلبومهای عکس خانوادگی ،ریسور ماهواره و موارد دیگر را با خود بردند .سپس فرزند او را حسن ترلانی را دستگیر و با خود بردند.
همزمان به منزل دکتر هانی یازرلو از فعالین سیاسی شناخته شده یورش بردند. آنها در خواب بسر می بردند و حتی به خانواده اجازه پوشیدن لباسهای خود را نمی دادند در این یورش یکی از سر بازجویان وزارت اطلاعات که آخوندی با نام مستعار علوی است فرماندهی یورش را به عهده داشت . در این یورش 5 نفر از مامورین وزارت اطلاعات به منزل آنها یورش بردند. دکتر هانی یازرلو که از ناراحتی شدید قلب رنج می برد و تا به حال 3 بار مورد عمل جراحی قرار گرفته است در اثر این این یورش وضعیت جسمی اش به وخامت گرایید. آنها فرزند دیگر او را حامد یازرلو را دستگیر و به بند 209 منتقل کردند.فرزند دیگر او هود یازرلو در زندان بسر می برد.بدستور علوی منزل آنها به صورت وحشیانه ای مورد بازرسی قرار گرفت .اعضای خانواده را از هم جدا کرده بودند .خانم نازیلا دشتی در یکی از اتاقهای بسر می برد و وبقیه در اتاقهای دیگر همراه با یکی از مامورین وزارت اطلاعات.مامورین وزارت اطلاعات مقدار زیادی از وسائل شخصی این خانواده را با خود بردند از جمله آنها عکسهای اعضای خانواده که در قتل عام ها زندانیان در سال 67 جان باختند و نامه های آنها هنگامی که در قید حیات بودند و در زندان بسر می بردند،کتابها، سی دی،ریسور ماهواره و مدارک شناسائی و وسائل دیگررا با خود بردند.
بازجویان وزارت اطلاعات همچنین به منزل خانواده آقای نادری یورش بردند و خانم مهسا نادری را با خود بردند مامورین وزارت اطلاعات خانم نادری و دخترشان را مورد ضرب وشتم قرار دادند. مامورین وزارت اطلاعات همچنین مقدار زیادی از وسائل شخصی این خانواده را با خود بردند آنها همچنین منزل را مورد بازرسی قرار دادند و باعث تخریب وسائل منزل آنها شدند.آقای محسن نادر به دلیل شرکت در مراسم نوزدهمین سالگرد یکی از اعضای خانواده اش که در قتل عام های زندانیان سیاسی در سال 67 جان باخته بود دستگیر و به 1 سال زندان محکوم شد او در حال حاضر در بند 8 زندان اوین بسر می برد.
آخوند و سر بازجوئی که با نام مستعار علوی است . او در یورش به منازل و دستگیریها مستقیما نقش دارد. او همچنین خود شکنجه جسمی و روحی زندانی سیاسی در حین بازجوئی در بند 209 را به عهده می گیرد. از جمله کسانی که تا به حال توسط این فرد دستگیر و مورد شکنجه هایی وحشیانه جسمی و روحی قرار داشتند عبارتند از آقای علی صارمی، محمد علی منصوری ،میثاق یزدان نژاد ،هود یازرلو و دهها نفر دیگر می باشند.
فعالین حقوق بشر و دمکراسی در ایران؛ یورش گسترده و وحشیانه به منازل شخصی خانواده های بی دفاع و دستگیری فرزندان آنها ، مورد ضرب وشتم قرار دادند و ضبط کردن وسائل شخصی آنها را محکوم می کند. از دبیر کل و کمیسر عالی حقوق بشر سازمان ملل متحد و تمامی سازمانهای حقوق بشر برای رسیدگی به جنایتهای سیستماتیک و مستمر این رژیم علیه مردم ایران خواهان ارجاع پرونده نقض حقوق بشر این رژیم به شورای امنیت ملل متحد است.
فعالین حقوق بشر و دمکراسی در ایران
02 اسفند 1387 برابر با 20 فوریه 2009
یورش و دستگیریهای گسترده امرزو به سازمانهای زیر گزارش گردید:
کمیساریای عالی حقوق بشر

کمسیون حقوق بشر اتحادیه اروپا
سازمان عفو بین الملل
سازمان دیدبان حقوق بشر

اتحاد جمهوریخواهان ایران: نقض حقوق شهروندی بهائیان شرم آور است

خوستار آزادی فوری رهبران جامعه بهائی ایران و رعایت حقوق شهروندی آنان هستیم
پنجشنبه ۱ اسفند ۱۳۸۷ - ۱۹ فوریه ۲۰۰۹

حدود نه ماه بعد از بازداشت هفت عضو رهبری جامعه بهائی ایران، دادستان کل کشور طی نامه ای به وزیر اطلاعات هر گونه فعالیت رهبران جامعه بهائیان را غیر قانونی و ممنوع اعلام کرده است. هر چند آزار و اذیت و پیگرد شهروندان بهایی در جمهوری اسلامی همواره وجود داشته است؛ اما این اولین بار است که رسما و علنا انجام فرائض دینی و هر گونه فعالیت جامعه بهائیان ایران، بر خلاف حتی قوانین موجود کشور، ممنوع و «معادل ضدیت با اسلام و نظام اسلامی» و جاسوسی به سود اسرائیل اعلام می شود.

محاکمه رهبران جامعه بهائی ایران و اعلام ممنوعیت فعالیت آنان نشانه دور جدیدی از تشدید فشار بر پیروان این اقلیت مذهبی به دلیل مذهب و اعتقادات آن هاست. ایراد اتهام جاسوسی برای اسرائیل، تنها به دلیل این که مرکز آئین بهائیان در این کشور قرار دارد، بهانه ای برای توجیه سیاست های غیر انسانی و تبعیض آلود علیه هموطنان بهائی است.

دولت جمهوری اسلامی در طول یک سال گذشته تعداد زیادی از بهائیان کشور را بازداشت نموده است. بنا به اخبار منتشره از سوی نهادهای مدافع حقوق بشر، هم اکنون حداقل بیش از ۳۰ نفر در بازداشت به سر می برند. از جمله این بازداشت شدگان ۷ نفر عضو رهبری جامعه بهائیت ایران، خانم فریبا کمال آبادی، آقای جمال الدین خانجانی، آقای عفیف نعیمی، آقای سعید رضائی، خانم مهوش ثابت، آقای بهروز توکلی، و آقای وحید تیزفهم است که سال گذشته بازداشت شده اند. همه این افراد به جز یک نفر در روز ۱۴ مه ۲۰۰۸ (۲۵ اردیبهشت ۱۳۸۷) در خانه هایشان در تهران بازداشت شده اند و خانم ثابت در روز ۵ مارس ۲۰۰۸ (۱۵ اسفند ۱۳۸۶) در مشهد بازداشت شده است.

اتحاد جمهوریخواهان ایران که همواره قاطعانه از حقوق شهروندی بهائیان ایران دفاع کرده است، بار دیگر خواستار توقف فشار ها و تضییقات علیه هموطنان بهائی و پس گرفتن دستور العمل های مندرج در نامه اخیر دادستان کل کشور خطاب به وزیر اطلاعات علیه جامعه بهائیان ایران و به رسمیت شناختن حقوق برابر اقلیت بهائی کشور با پیروان مذاهب دیگر از سوی دولت جمهوری اسلامی است.

تردیدی نیست که در کشورما نیز روزی خواهد رسید تا از همه شهروندانی که به دلیل مذهب یا عقیده اشان، به دلیل بهائی،یهودی یا مسلمان سنی بودن، و یا به دلیل عدم اعتقاد به دین در جمهوری اسلامی مجازات و یا مورد تبعیض واقع شده اند، فروتنانه عذر خواهی شود؛ مراکز و اماکنی که هم چون میعادگاه های دراویش گنابادی با بولدوزر در مقابل چشمان همگان تخریب گشته اند، دوباره احیا و باز سازی شوند. اما برای رسیدن به چنین روزی باید از همین امروز در مقابل نظام متکی بر تبعیض ایستاد و از حقوق همه کسانی که در معرض تهدید و تعدی دستگاه دولتی قرار دارند، دفاع نمود.

اتحاد جمهوریخواهان ایران خواستار رفع هرگونه تبعیض حقوقی میان شهروندان کشور بر اساس جنسیت، عقیده و مذهب، قومیت و نژاد آنان است. سرکوب شهروندان به دلیل اعتقادات مذهبی متفاوت از حکومتگران، در جهان امروز عملی ضد انسانی و شرم آور است.

اتحاد جمهوریخواهان ایران، خواستار آزادی فوری رهبران جامعه بهائی کشور، پایان دادن به تهدیدات مقامات دولتی علیه آنان است.

هیات سیاسی اجرائی
اتحاد جمهوریخواهان ایران
۱ اسفند ۱۳۸۷
۱۹ فوریه ۲۰۰۹

کاوه رضایی به زندان همدان منتقل شده است

تغییر برای برابری - در پی بازداشت کاوه رضایی فعال دانشجویی و از فعالان کمپین و بی خبری از وضعیت او مطلع شدیم که او را پس از بازداشت در گوهردشت کرج که محل سکونت وی نیز هست به همدان منتقل کرده اند. در تماس با مادر کاوه او اظهار داشت که به همدان رفته و موفق به ملاقات با قاضی پرونده پسرش شده است. به گفته مادر کاوه، قاضی پرونده، بازداشت کاوه را مرتبط با مطالب منتشر شده در وبلاگ او دانسته است و گویا تا پایان تحقیقات بازداشت او ادامه دارد. با وجود این، نگرانی خانواده و دوستان او کم نشده است گفته می شود که طی هفته های اخیرکاوه بارها مورد تهدید کسانی قرارگرفته که خود را ماموران اطلاعات معرفی کرده بودند. مادر کاوه نگران وضعیت جسمی پسرش هم هست:" کاوه میترال قلبی دارد و نگرانش هستم" .

کاوه رضایی دانشجوی جهاد دانشگاهی همدان در رشته الکترونیک در سال سوم تحصیلی اش از دانشگاه اخراج شده است.

برخورد با دروایش گنابادی در اصفهان و چهل مورد بازداشت

شب گذشته مورخه 1 اسفند، حاضرین در حسینیه دراویش اصفهان با برخورد شدید نیروهای اطلاعاتی و انتظامی مواجه شدند.
در این برخوردها نیروهای امنیتی حدود چهل تن از حاضرین را بازداشت نمودند.

مصطفی دانشجو یکی از وکلای دراویش گنابادی به مجموعه فعالان حقوق بشر در ایران گفت، نیرو های اطلاعاتی و انتظامی شب گذشته با حاضرین درحسینیه دراویش اضفهان که برای اعتراض تحصن کرده بودند به شدت برخورد توام با ضرب و شتم نموده است در این درگیری، چهل تن از دراویش گنابادی حاضر در محل بازداشت گردیدند.

اسامی تعدادی از بازداشت شدگان عبارت است از : علی جان نثار، احمد کریمی، علیرضا سلیمی، علیرضا کریمی، سعید یزدانی، مهدی باقری، مجید علیمرادی، محمد عنالویی، میلاد عادل پور، حمید سید صالحی، محسن کرد زنگنه، شیرانی، یاسر عالیوند، مهدی صفی خانی، میلاد احمد خان، محمد احمد خان، رامین اشکوه، عباس امینی، نعمتی، گلزار، خدا دوست، جعفر اشراقی.

از سرنوشت بازداشت شدگان و محل نگهداری آنان اطلاعی در دست نیست.

گفتنی است دراویش گنابادی برای اعتراض به برخوردهای نیروهای اطلاعاتی و انتظامی با این فرقه مذهبی روز شنبه سوم اسفندماه ساعت ۱۱ صبح مقابل مجلس شورای اسلامی واقع در میدان بهارستان تهران تحصن خواهند کرد.

نامه مسعود کردپور به ریاست قوه قضائیه

ریاست محترم قوه قضائیه آیت الله شاهرودی

با عرض سلام

احتراماً به استحضار می رساند که این جانب مسعود کردپور دبیر آموزش و پرورش وروزنامه نگار در تاریخ 87/5/27 در منزل شخصی در شهرستان بوکان توسط نیروهای امنیتی بازداشت و در تاریخ 87/6/31 به اتهام انتقاد از سیاست های دولت توسط شعبه اول دادگاه انقلاب مهاباد به حداکثر مجازات پیش بینی شده در قانون به یکسال حبس تعزیری محکوم شدم . حال حدود 7 ماه از زندان اینجانب می گذرد .

در این ایام از تمامی حقوق شهروندی یک زندانی از جمله انتقال به شهر محل سکونت خانواده , مرخصی ماهیانه و مرخصی استعلاجی و اعزام به پزشک و سایر حقوقی که شهروندان و زندانیان بر اساس آیین نامه سازمان زندانها از آن بهره منداند محروم بوده ام . متاسفانه مکاتبات و درخواستهای اینجانب برای استفاده از حقوق شهروندی و انسانی توسط مسئولین محلی به کلی بی پاسخ مانده است .

در حال حاضر برخی از بیانات حضرت عالی در رابطه با حقوق زندانیان و زندانبانی اسلامی براساس حقوق و عدالت و آزادی در اسلام که متهمین به قتل را بیش از شش روز زندانی نمی کردند و یا توصیه های دیگر جناب عالی به قضات در رابطه بادقت در صدور حکم زندان و اثرات آن به شخص زندانی و خانواده زندانی ویا اینکه زندان در اسلام به این صورت وجود ندارد و فقط حبس آن هم به صورت محدود و در مورد جرایم خاص می باشد اینجانب را واداشت که این نامه را برای حضرت عالی ارسال نمایم.

اکنون با توجه به تهیه لایحه در رابطه با جرم سیاسی توسط شورای عالی قضایی که حرف و انتقاد از نظام سیاسی یا اصول قانون اساسی یا اعتراض به عملکرد مسئولین کشور یا دستگاه های اداری و اجرایی , بیان عقیده در امور سیاسی اجتماعی اقتصادی را جرم محسوب نمی دارد و اینکه اگر تبلیغی هم صورت گرفته باشد جز جرایم سیاسی است و می بایست بر اساس اصل 168 قانون اساسی در دادگاه های عمومی به صورت علنی و با حضور هیات منصفه مورد رسیدگی قرار گیرد و بیان نظر آیت الله خمینی در اوایل انقلاب که مارکسیستهادر بیان عقاید خود آزادند ,این جانب کل اتهامات را در چهارچوب اصل هشتم قانون اساسی و صرف انتقاد و اظهار نظر تلقی نموده و خود را از هرگونه اتهامی مبرا می دانم که در چنین شرایط سخت و طاقت فرسا در زندان هم بند با معتادان و مواد فروشان و مرتکبین جرایم خاص و محروم از تمام حقوق شهروندی و انسانی یک شهروند ایرانی که می بایست بر اساس قانون اساسی و اعلامیه جهانی حقوق بشر و موازین اسلامی از آن برخوردار باشد نگهداری می شوم . لذا نظر به اینکه اینجانب در هر صورت انگیزه خود را شرافتمندانه می دانم خواستار دستور حضرت عالی جهت اجرای توقف حکم و بهره مندی از حقوق شهروندی و انسانی و بازگشت به کار و زندگی و رسیدگی مجدد به پرونده خود در دادگاهی منصفانه مستقل و بی طرف می باشم.

مسعود کردپور

زندان مرکزی مهاباد

رونوشت

کمیسیون حقوق بشر قوه قضائیه جهت استحضار و رسیدگی

ستاد صیانت از حقوق شهروندی در نهاد ریاست جمهوری جهت استحضار

کمیسیون اصل 90 مجلس شورای اسلامی جهت استحضارو رسیدگی

دادستان عمومی و انقلاب شهرستان مهاباد جهت رسیدگی و پیگیری موضوع

تنها مطالب و مقالاتي كه با نام جبهه ملي ايران - اروپا درج ميشود نظرات گردانندگان سايت ميباشد .